

کارگاه یک روزه معماری ایران چگونه معاصر شد - ۱۴ بهمن ۱۳۹۴

وزارت راه و شهرسازی - تالار شورای عالی

امروز با برنامه‌ریزی و دعوت تقبل زحمت شما عزیزان دور هم جمع شدیم و این جمع شدن برای شخص من با عمری که ۶۰ بهار را پست سر گذارده بسیار ذیقیمت و غنیمت است. فرصتی فراهم شده تا تجربه‌های چند دهه را با شما در میان بگذارم. از بانیان این جمع شدن - دکتر آخوندی، دکتر حناچی، خانم مهندس صادقی، مهندس ابراهیمی، خانم مهندس بنی عامری و همکارانشان - بسیار ممنونم.

کارگاه آموزشی چگونه جایی است؟

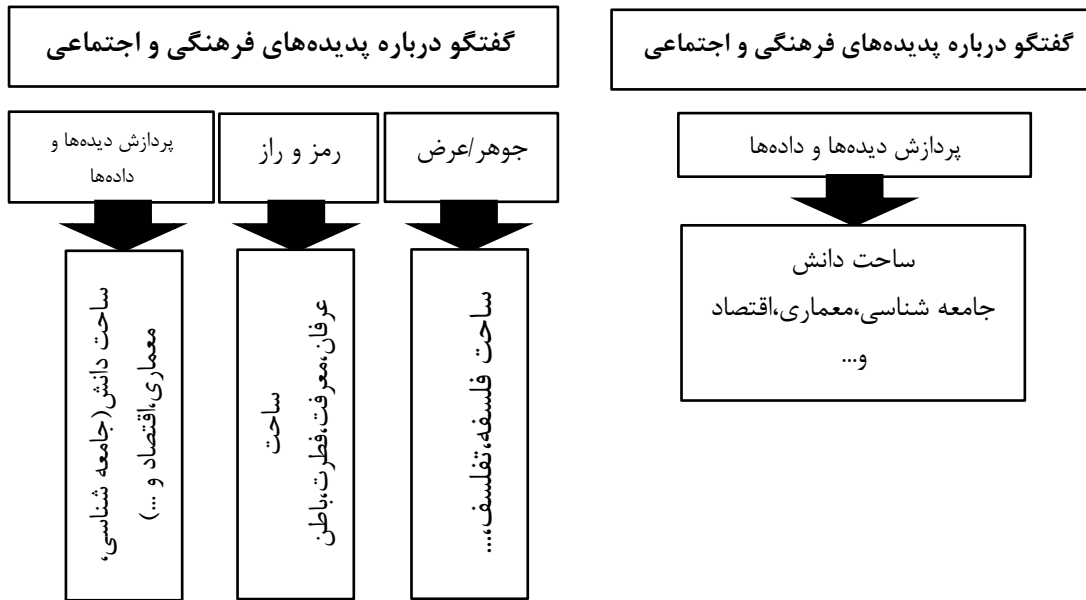
در ابتدا برایتان بگویم که ما به این کارگاه نمی‌آییم تا بر آنچه می‌دانیم پافشاری کنیم، می‌آییم تا بر دانسته‌هایمان شک کنیم. این هدف اصلی کارگاه ماست. اکنون برایتان شرح می‌دهم که کارگاه امروز چگونه فضایی است: کارگاه فضایی است برای اندیشیدن و گفت‌وگو کردن درباره موضوع مشخصی چون "معاصر شدن معماری ایران". در کارگاه از طریق مناظره، مشاعره، آموختن از همدیگر، مباحثه، مکاشفه، مطالعه، مطایبه ارتباط برقرار می‌کنیم و به طور خلاصه محتوای کارگاه: آمیختن، آموختن و گفت‌وگو کردن درباره ی موضوعی است که از پیش مشخص شده‌است.

کارگاه کلاس نیست حالت کارگاه همانند پیک نیک و یا سفر یک روزه‌است. ترجیح این است که در کارگاه گرد هم بنشینیم و در گفت‌وگو شرکت کنیم و از انفعال بپرهیزیم. گفتگو کنیم درباره پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی ایران مانند معماری و شهرسازی ایران و بیاموزیم که چگونه دیده‌ها و داده‌ها را درباره این پدیده مورد پردازش قرار دهیم.

ساحت گفت و گو درباره‌ی معماری ایران

در حال حاضر، هنگامی که درباره‌ی یک پدیده‌ی فرهنگی - اجتماعی مانند معماری بین دانشگاهیان و متخصصان گفت و گو صورت می‌گیرد، سه گرایش عمده قابل تشخیص است:

- گرایش اول گفت و گو در مورد پدیده‌ی فرهنگی اجتماعی در ساحت فلسفه‌است.
 - گرایش دوم گفت و گو در ساحت عرفان و استفاده از زبان و واژگان عرفانی؛
 - و گرایش سوم گفت و گو در ساحت دانش هاست مانند جامعه شناسی و اقتصاد از این قبیل.
- ضمن احترام بسیار برای ساحت‌های فلسفه و عرفان، در این کارگاه گفت‌وگوی ما درباره معماری ایران بیشتر بر ساحت دانش و دانش مبتنی بر پژوهش متمرکز می‌باشد.

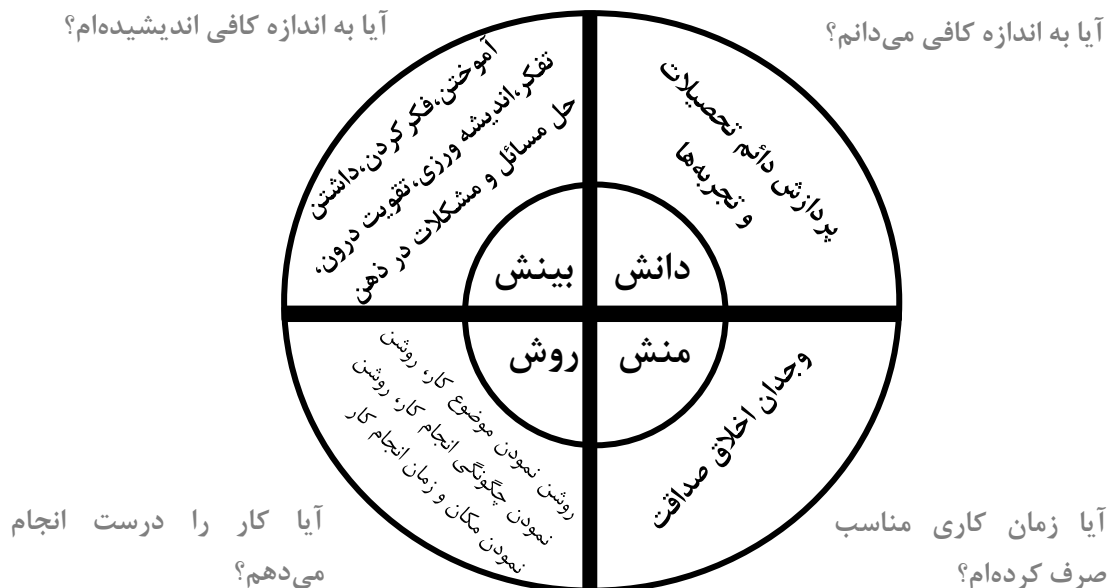


نمودار ۱. سمت راست: ساحت مورد بحث در این کارگاه؛ سمت چپ: ساحت‌های گفت و گو درباره‌ی معماری ایران

مبانی کنش حرفه‌ای

مطلب از این قرار است که برای حرفه ای بودن (مفید بودن برای جامعه از طریق تخصص) باید هر روز از

خود بپرسیم:

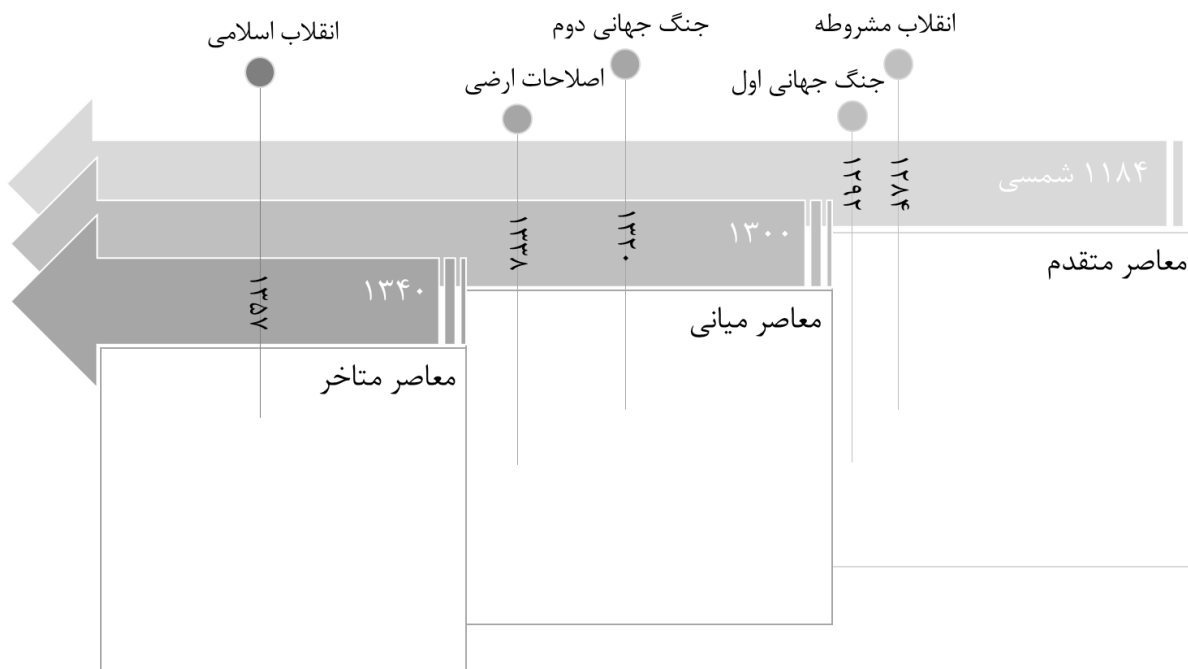


نمودار ۲. مبانی کنش حرفه‌ای

- آیا دورهٔ معاصر یک دوره است؟

موضوع اصلی بحث امروز معاصر شدن معماری ایران است. معاصر شدن معماری ایران، عبارتی است که فقط در قالب کلمات مصداق دارد. در واقعیت و در عینیت جامعه معاصر ایران، عبارت معماری معاصر وجود خارجی ندارد. البته بحث مطلق نیست در میان دریای ساخت و سازِ معاصر چند قطره ای معماری در حال دست و پا زدن هست. وقتی به اتفاق درباره معاصر شدن گفت‌وگو کردیم و درباره چگونه معاصر شدن سر و کله زدیم معنا و مفهوم معماری ایران روشن تر خواهد شد. البته معاصر بودن بویژه در فرهنگ ما ایرانیان، به امروز و سه چهار دهه گذشته محدود نیست.

معاصر شدن فرایندی است زمانمند و زمانبر، در ایران ما زمینه‌های شروع فرآیند معاصر شدن از زمان فتحعلی شاه شروع می شود و در سال‌های بعد با سرعت و شتاب بیشتری دنبال می‌شود. این فرآیند ابتدا فقط در مقیاس طبقه حاکم معنا داشت و نه در مقیاس جامعه. اما با تعویض قرن که تقریباً همزمان با انحلال حکومت دودمان قاجار و شکل‌گیری حکومت پهلوی است، بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ است که می‌توان نمود معمارانه و شهرسازانه تحولات اجتماعی و سیاسی دوره‌های پیشین را در مقیاسی وسیع تر مشاهده کرد. این پژوهش و این کارگاه بر این دوره متمرکز است و دوره بعدی از دهه ۴۰ تا بعد از اصلاحات ارضی و درآمد نفت و انقلاب اسلامی است.



نمودار ۳. دوره‌های معاصر در ایران

با توجه به گفته‌های بالا دوره معاصر شامل سه دوره متقدم یا آغازین، میانی و متاخر یا اکنونی می‌شود.

مصادق‌های معماری معاصر در ایران

اگرچه نمی‌توان از حضور معماری معاصر در دوران کنونی بعد از ۱۳۴۰ به مثابه یک جریان اجتماعی سخن گفت اما می‌توان از حضور معماری معاصر ایران در حدفصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ در جامعه آن روز حرف زد و مصادق‌های آن را در پایتخت و مراکز مهم کشور نشان داد.

نام بنا یا مجموعه	نام طراح یا مهندسین مشاور	کاربری بنا	سال احداث	سال بهره برداری	شهری که بنا در آن واقع شده
دبیرستان البرز	نیکلای مارکف	آموزشی	۱۳۰۳	۱۳۰۴	تهران
شهرداری رشت	نامشخص	اداری	۱۳۰۸	نامشخص	رشت
دبیرستان فیروز بهرام	نیکلای مارکف	آموزشی	۱۳۱۱	۱۳۱۱	تهران
ساختمان سازمان اسناد و املاک کشور	میرزا علی خان مهندس	اداری	۱۳۱۳	۱۳۱۵	تهران
بانک ملی شعبه پس انداز	ه - هائیش	تجاری	۱۳۱۳	۱۳۱۵	تهران
موزه ملی ایران	آندره گدار - ماکسیم سیرو	فرهنگی	۱۳۱۳	نامشخص	تهران
دبیرستان دکتر بهشتی	شولتس	آموزشی	۱۳۱۳	۱۳۱۵	رشت
باشگاه دانشگاه تهران	آندره گدار - ماکسیم سیرو - رونالد دوپل - محسن فروغی	خدماتی	۱۳۱۳	۱۳۱۷	تهران
شهرداری تبریز	نامشخص	اداری	۱۳۱۴	۱۳۱۸	تبریز
مدرسه ایرانشهر یزد	آندره گدار	آموزشی	۱۳۱۵	۱۳۱۷	یزد
کاخ دادگستری	گابریل - گورکیان - رونالد دوپل	اداری	۱۳۱۶	۱۳۱۸	تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی	محسن فروغی	آموزشی	۱۳۱۷	۱۳۱۹	تهران
بانک ملی شعبه مرکزی اصفهان	محسن فروغی	تجاری	۱۳۲۰	نامشخص	اصفهان
دانشکده هنرهای زیبا	رونالد دوپل	آموزشی	۱۳۲۰	۱۳۲۸	تهران

ساختمان اداری چیپ	وارطان هوانسیان	تجاری - اداری	۱۳۲۰	نامشخص	تهران
بانک ملی شعبه بازار تهران	محسن فروغی	تجاری	۱۳۲۳	نامشخص	تهران
بانک ملی مهرگان	کیقباد ظفر بختیار	تجاری	۱۳۲۵	۱۳۲۷	مهرگان
انستیتو پاستور ایران	آفتابلیانس	بهداشتی	۱۳۲۸	۱۳۳۰	تهران
بنای یادبود بوعلی	هوشنگ سیحون	فرهنگی	۱۳۲۸	۱۳۳۱	همدان
مسجد دانشگاه تهران	عبدالعزیز فرمانفرمایان	مذهبی	۱۳۳۶	۱۳۴۵	تهران
ساختمان مجلس سنای سابق	محسن فروغی - حیدر غیایی	اداری	۱۳۳۸	۱۳۴۲	تهران
بانک ملی شعبه دانشگاه تهران	یورن اوژن	تجاری	۱۳۳۹	۱۳۴۲	تهران
هتل استقلال	فروغی، ظفر بختیار، صادق، غیایی، راجیان	خدمات پذیرایی و گردشگری	۱۳۳۹	۱۳۴۱	تهران

جدول ۱. مصداق‌های معماری معاصر در ایران

بحث امروز نیز به این دوره زمانی باز می‌گردد. چگونه معماری ایران معاصر شد، این بحث بر دو پایه تحقیقی استوار است.

تحقیق اول مربوط به تدوین معیارها و ضوابط طراحی برگرفته از بررسی خانه‌های تاریخی است که سال ۱۳۷۲ شروع و ۱۳۷۴ خاتمه یافت. در سال ۱۳۷۶ به صورت کتاب تحویل شورای عالی شهرسازی شد. تا سال ۱۳۸۶ راکد ماند و پس از بازسازی مجدد در سال ۱۳۸۸ منتشر شد. این پژوهش و این کتاب که با نام "خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران" توسط وزارت مسکن و شهرسازی آن موقع منتشر شد مقوله خانه را به عنوان نماینده ی معماری ایران پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی و پس از سال ۱۳۴۰ بررسی می‌کند. شرح مختصری از این کتاب را امروز حضورتان ارائه می‌شود.

تحقیق دوم مربوط به خانه‌های ساخته شده بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ است. این دوره که بخشی از معاصر شدن معماری را در بر می‌گیرد تحقیقی است که چند ماهی از شروع آن می‌گذرد و شرح موجزی از فرآیند و دستاوردهای این تحقیق حول محور معاصر شدن و چگونه معاصر شدن است.

معماری، معماری ایران، معماری معاصر ایران

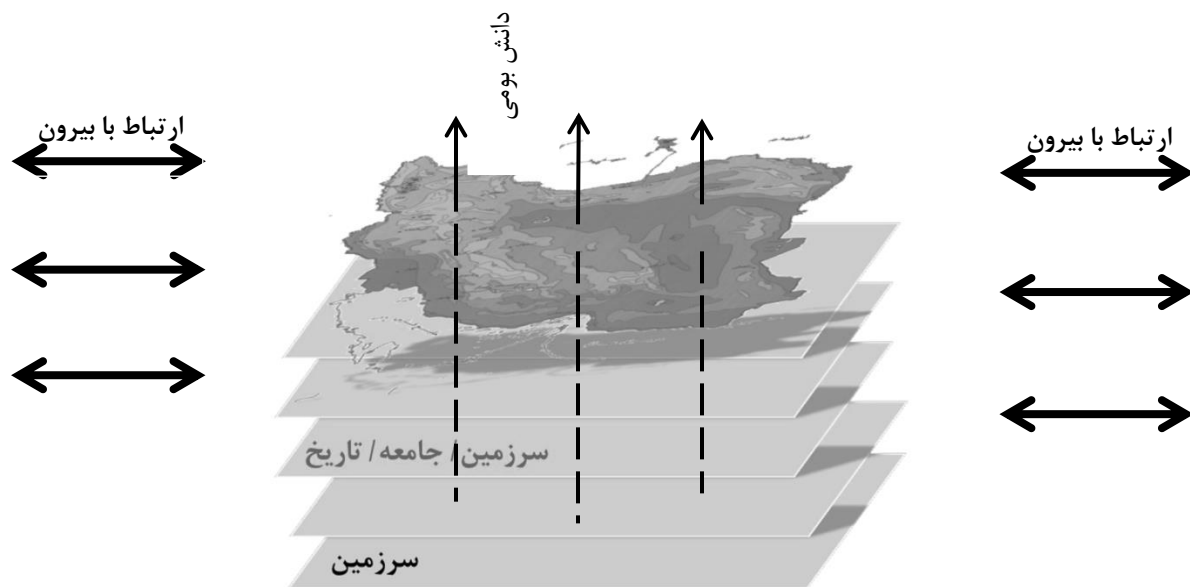
امروز راجع به معاصر شدن معماری، معماری ایران و معماری معاصر ایران و تمییز دادن این سه موضوع صحبت خواهیم کرد. برای اینکه فکرها و نظراتمان را به هم نزدیکتر کنیم، مترادف‌های کلمه معاصر شدن را به اتفاق مطرح کنیم: امروزی شدن، به روز شدن، به هنگام شدن، مدرن شدن، تغییر کردن، متحول شدن و توسعه یافتن. معاصر شدن در هر دوره از طریق "توسعه" محقق می‌شود. با این مترادف‌ها که گفته شد یک نکته نهفته در این بحث است و آن این که از تغییر کردن گریزی نیست. تغییر کردن و تغییر یافتن، اصلی است که همواره وجود داشته و خواهد داشت. در رابطه با انسان تغییر کردن جنبه‌ای اعتلایی دارد. جهت تغییر و تحول آدمی به سمت کامل‌تر شدن است. توسعه هم نوعی تغییر است که در قالب برنامه‌ای برای پیشرفت جامعه مطرح است. در توسعه مقصد آینده‌ای قابل دستیابی و قابل پیش بینی رسیدن به نقطه‌ای پیشرفته‌تر از وضع موجود است. توسعه مفهومی پویاست. هر دوره زمانی، توسعه‌فرآیندی را آغاز می‌کند متکی بر پیشرفت و بهبود یافتن وضع گذشته و امروز. در اینجا بنظر می‌رسد توسعه با در نظر گرفتن معیارهایی می‌کوشد که جامعه را معاصر و امروزی کند و به سطح شناخته شده‌ای از کمیت و کیفیت برساند. توسعه هم زمان و هم مکان، هم کمی و هم کیفی است. اگر بر کمیت بیشتر تاکید شود "رشد" گفته می‌شود. معاصر شدن معادل مدرن شدن است اما به خاطر طبقات اندیشگی و جدال‌هایی که در سالیان گذشته بر سر این واژه به ویژه در کشور ما بر سر این واژه وجود داشته و بع علت بار معنایی خاص که با خود به همراه می‌آورد که گاه در مقابل سنت قرار می‌گیرد و گاه در کنار غرب، حال آنکه معاصر شدن به معنای لغو سنت یا حرکت به سوی غرب نیست، در این پژوهش از واژه مدرن شده بهره‌نسته‌ایم و بر روی مفهوم "معاصر شدن" تکیه کرده‌ایم. اگرچه در پژوهش سه مشتق از واژه مدرن آمده‌است که معنای دقیق‌تر و مشخصی دارند، این سه واژه عبارتند از: مدرنیته، مدرنیسم، مدرنیزاسیون.

- مدرنیته به معنای جریانی که یکبار در اروپا اتفاق افتاده‌است، جریانی به تمام معنا اجتماعی و همراه با درگیری اکثریت نیروها که از بنیاد جامعه جوشیده بود و زمینه‌هایش از قرن شانزدهم در اروپا شکل گرفت و تا سده بیستم ادامه داشت
- مدرنیسم به معنای ایدئولوژی حاکم بر مدرنیته‌ای است که در اروپا اتفاق افتاد.

- مدرنیزاسیون به معنای تحولات اجتماعی است که توسط طبقه حاکم، هدایت می شود و سرعت و جهت می یابد و از درون جامعه نجوشیده است و می تواند آمرانه و توأم با زور نیز باشد.

معاصر شدن در سایر حوزه ها

امروزه بسیار می شنویم "Upgrade" و "Up to date" کردن موبایل ها و کامپیوترها که مشابه معاصر کردن است. اما سوال من این است که آیا نمی شد بادگیر را معاصر کنیم؟ آیا قنات را نمی توانستیم معاصر کنیم؟ آیا خاک را نمی توانستیم معاصر کنیم؟ آیا ما دانش بومی به ویژه دانش بومی ساخت و ساز نداشتیم؟ آیا نمی توانستیم آن را معاصر کنیم؟ تجربه و تاریخ نشان داده که می شد و می شود، ضروریست بررسی کنیم که چرا نشده و چگونه می توان در حوزه معماری و شهرسازی معاصر شد؛ و چه نسبتی بین معاصر شدن و جهانی شدن وجود دارد!



نمودار ۴.۱: ایستادگی : تداوم دائمی هویت اجتماعی - سرزمینی پدیده های فرهنگی

در حوزه های غیر از معماری و شهرسازی نیز معاصر شدن اتفاق می افتد به عنوان مثال معاصر شدن را می توان در شعر فارسی دنبال کرد. غزل به عنوان یک شکل و بیان شعری، چگونه از نظر مضمون و شکل معاصر شده است:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل کجا دانند حال ما سبک باران ساحل ها

مضمون در غزل این است: "آی آدم ها که در ساحل نشسته و شاد و خندانید، یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند"،

و یا سطر "به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده‌ی خود را". در این جا، مضمون قدیمی است اما فرم معاصر است. مثال دیگری:

جسمم غزل است اما روحم همه نیمایی ست در آینه‌ی دیدار این صحنه تماشایی ست

در این جا مبارزه‌ی این دو فرم نشان داده شده . و اما شاعر معاصر درست از همان غزل استفاده کرده‌است اما به نحوی امروزی، اثری از هوشنگ ابتهاج:

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست تا اشارات نظر، نامه رسان من و توست
گوش کن با لب خاموش سخن می گویم پاسخم ده به نگاهی که زبان من و توست
روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید حالیا چشم جهانی نگران من و توست

ما در حوزه‌های دیگر نیز می‌توانیم معاصر شدن را دنبال کنیم. به عنوان مثال در نقاشی، بعد از کمال‌الملک و پیروان ایشان مانند حسنعلی وزیران و پتگر و کاتوزیان شاهد نقاشان معاصر هستیم مانند: آقایان محجوبی و زنده‌رودی به گونه‌ای که می‌توانیم از نقاشی معاصرمان در مقیاس جهانی صحبت کنیم. در موسیقی ساخته‌های درویش خان و کلنل علینقی وزیری نشانی از معاصر شدن دارند. در رابطه با نثر، تا دوره‌ی رضاشاه ما در قلمرو نفوذ سعدی بوده‌ایم و سعدی بر تمام ما حتی تا امروز تاثیر گذاشته‌است و هنوز هم در ادارات، نامه‌نگاری‌ها را تحت تاثیر قرار داده‌است. اما از یک زمانی آقایان فروزانفر و ناطق خانلری سبک نثر را معاصر کرده‌اند. در کشاورزی و در صنعت هم می‌توان معاصر شدن را دنبال کرد.

در نوشته‌هایی، مرا جزء سنت‌گراها جای داده‌اند. من طرفدار تقلیدهای سنتی نیستم. اما برای اینکه یک معمار معاصر باشم شناخت عمیق گذشته معماری، شعر و موسیقی ایران را در دستور کار خود گذاشته‌ام. می‌کوشم یک معمار و شهرساز و انسان معاصر باشم و آثار معماران معاصر بویژه کسانی که جایزه پريتزر دریافت کرده اند را دنبال کنم. دغدغه ام در ۴ دهه زندگی حرفه‌ای ام تحقق زودتر معماری معاصر ایران است. تا حداقل فرزندان نسل ما از آن بهره ببرند. این عبارت یعنی معماری معاصر ایران عبارتی است که در حال حاضر فقط در جمله و زبان می‌گنجد اما واقعیت بیرونی ندارد به جز چند بنای ارزشمندی که اکنون می‌توان در میان آثار معماری برخی را "معماری تر" و برخی را صاحب "کمتر معماری" دانست. آنچه ساخته می‌شود قطرات کوچکی در میان دریای طوفانی ساخت و ساز در کل کشور هستند. ترکیب آگاهی و خلاقیت اثر را معماری تر می‌کند و برای آن حدی قابل تصور نیست. وقتی این آگاهی به کار رفته در معماری سرزمین ایران، زندگی و معانی ایرانی را شامل شود، معماری ایرانی خواهد شد. برای معاصر بودن می‌بایست بسیار مجهز بود. معاصر،

ترکیبی است از آگاهی بر گذشته، آگاهی بر حال و آگاهی درباره ی آینده ایران و جهان. معنی واقعی فرزند زمان خویشتن بودن، این است و اینگونه بودن یعنی معاصر بودن. جریان معماری معاصر ایران که یک جریان اجتماعی - فرهنگی است روزی جاری خواهد شد که جامعه آگاهی بیشتری نسبت به معماری بودن، ایرانی بودن و معاصر بودن کسب کند.

آرمان مشترک: تحقق معماری معاصر ایران

معماری، در همه ی مکان ها و در همه ی زمان ها سازماندهی آگاهانه فضا است. سه آگاهی در این اصل وجود دارد: آگاهی بر سرزمین، آگاهی بر زندگی و آگاهی بر معنا. برای معاصر بودن و فرزند زمانه ی خویش بودن باید این سه آگاهی را داشت. همانطور که نظامی شاعر طراز اول قرن پنجم فرزندش را نصیحت می کند که فرزند زمانه اش باشد. به او می گوید که دنبال شاعری نباشد:

زین فن نطلب بلند نامی کان ختم شده ست بر نظامی در ناف دو علم بوی طیب است هر دو فقیه یا طیب است

می باش طیب عیسوی هش اما نه طیب آدمی کش می باش فقیه عبرت آموز اما نه فقیه حیلت اندوز

چون شیر به خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشتن باش

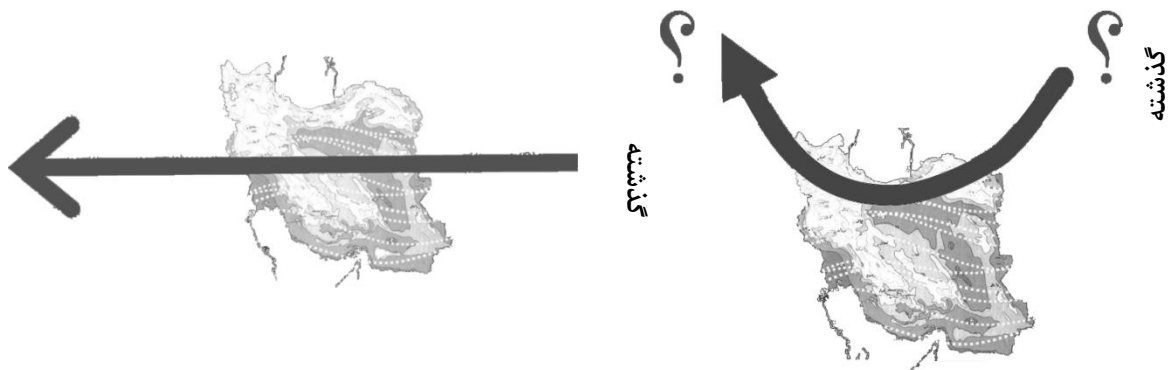
فرزند خصال خویشتن بودن ما معماران و شهرسازان می تواند زمینه معاصر شدن را در مقیاس جامعه فراهم کند.

برای امروز چند واژگان کلیدی دارم که برایتان معرفی می کنم و از شما می خواهم که به این واژگان اضافه کنید چون برای کارگاه بعدی به چند نکته ی مهم احتیاج داریم تا از همه از هم بیاموزیم: توسعه و منفعت عمومی، معاصر شدن، شهر که مقرر قدرت و ثروت است، شهرسازی که مدیریت فضا و فعالیت است، معماری/معماری ایران/معماری معاصر ایران، کیفیت زیستی - شیوه زندگی، عدالت اجتماعی و سرزمینی، نظام سرمایه داری - حرکت سرمایه، بازار مستغلات زمین و ساختمان، زبان و انتقال مفاهیم، نقش و وظیفه - رفتار حرفه ای، ساختمان سازی و ساخت و ساز، قوانین و مقررات - نظام مرجع.

مهمترین ویژگی یک اثر خلاق معماری طراحی ترکیب‌های فضایی و نوری، آزادی و شناوری فضا. بسط فضایی، نوری و چشم اندازی و ایجاد تنوع فضایی است. در اینجا معیارهای موجود در معماری ایران را یکی یکی بیان و معرفی می‌کنم. معماری فضا را برای آزاد کردن سازمان می‌دهد. در ساختمان سازی معاصر فضا به بند می‌افتد. هرچه فضا آزادتر باشد تاثیر گذاری آن بیشتر است. از زندان تا کوچه رندان.

- آیا مسیر تحقق معماری معاصر بدون شناخت و بارور شدن از گذشته، میسر است؟

همه جوامعی که معاصر شدند، گذشته هایشان را به امروز و آیندشان وصل کرده‌اند. ولی در ایران مشخص نیست ما از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم. کجا بوده‌ایم و به کجا خواهیم رفت. مسیر تحقق معماری معاصر بدون شناخت گذشته میسر نیست. امروز که دور هم جمع شده‌ایم یک آرمان مشترک درباره معماری ایران معاصر داریم. هر اثری که در عصر حاضر در ایران ساخته می‌شود ۳ شرط باید داشته باشد: معماری باشد، ایرانی باشد و معاصر باشد.



تصویر ۱. طیف متحول شدن گذشته

مرحله‌ی شناخت

در تمام آثار معماری ایران، هم زمان و هم مکان، سه گونه فضا وجود داشته‌است و این سه گونه فضا همواره با یکدیگر بنا را شکل می‌داده‌اند: فضای باز، پوشیده، بسته. با مصداق‌های حیاط، ایوان و اتاق. اما وقتی ما وارد معماری معاصر متاخر یعنی پهلوی دوم و جمهوری اسلامی می‌شویم متوجه می‌شویم بازار مستغلات و زمین و ساختمان، آنقدر قدرتمند می‌شود که فضای سرپوشیده مانند ایوان را کاملاً حذف می‌کند. برای آنکه

فروش فضای بسته ملاک است. فضاهای باز برای اتومبیل‌ها استفاده شدند و فضاهای بسته تنگ‌تر شده‌اند. تعداد جا مهم‌تر از جاداری است و به تدریج حذف حضور شاد و سرزنده و متفکر آدمی اتفاق می‌افتد، به گونه‌ای که فقط فعالیت‌های بیولوژیکی قابلیت تحقق را پیدا می‌کنند. ما این بحث را با عنوان دو نکته نگه می‌داریم، اینکه چگونه مسئله‌ی شناخت می‌تواند بر روی نامگذاری تاثیر بگذارد و چگونه بازار مستغلات و زمین و ساختمان در کشور ما در این حد قدرتمند است. از سال ۱۳۴۰ به بعد دوره‌ی جدیدی شروع به شکل‌گیری می‌کند که آن را ساختن بدون معماری می‌نامیم. تا پیش از این تاریخ آنچه که در روستا و شهرها ساخته می‌شد واجد ارزش‌های معمارانه بوده‌اند.

- ورود واژگان در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی

برخی از لغات وارد ادبیات معماری ما شده‌اند: مانند کالبد، بافت و سلسله مراتب. اینها هرگز در ادبیات معماری ایران نبوده‌اند. به عنوان مثال تاریخ بیهقی مملو از ماجراهای معمارانه‌است و فضاهایی را نام می‌برد که ما می‌توانیم آنها را کشف کنیم و پی ببریم که در معماری ایران چه فضاهایی وجود داشته‌است. کالبد شهر و برنامه‌ریزی کالبدی که امروزه استفاده می‌شود از غلط‌های موجود است. کالبد در سراسر تاریخ زبان فارسی به جسد گفته می‌شده‌است؛ شهر، معماری و بنا روح دارند. وقتی ما لغات نامناسب به کار ببریم فرمان هم به تدریج نامناسب می‌شود زیرا واژگان فکر و فکر واژگان را می‌سازند. این اصطلاحات نامناسب به تدریج زبان ما را شکل می‌دهند و اینگونه مفاهیم نامناسب شکل می‌گیرند مثلاً کالبد بازتاب معنایی ساختمان سازی و رشد شهری کمیت‌گرا می‌تواند باشد و یا بافت، گرد هم آمدن توده و فضا و ساختمان‌ها و معابر بدون توجه به حضور انسان می‌تواند باشد.

- تعریف سه واژه سنت، مدرنیسم و معاصر سازی

سنت یک ساز و کار و مکانیزم است که پدیده‌های اجتماعی را برای پذیرفتن و یا نپذیرفتن مورد آزمون قرار می‌دهد. به عنوان مثال پدیده‌ای به نام "چرخ" وارد جامعه می‌شود، در آسیاب، چهارچرخه، ارابه مورد استفاده قرار می‌گیرد و جامعه آن را قبول می‌کند و به نسل بعدی منتقل می‌شود. اما پدیده‌ای مانند کامپوزیت بدون آن که از مجرای بگذرد، وارد ساختمان سازی شد و چون رانت قوی پشت سرش داشته‌است مورد استفاده‌ی همه قرار می‌گیرد و هیچ کس اعلام رسمی نمی‌کند که این کامپوزیت در گیلان و مازندران بعد از چند سال قارچ می‌زند. سنت در گذشته اینگونه کارکرد داشته‌است، اما امروزه دولت مرکزی و نهادهای وابسته به آن بر جای سنت نشسته‌اند. "میراث فرهنگی" نهادی است که جای دولت مرکزی را گرفته‌است. مردم قبلاً خودشان ساختمان‌شان را مرمت می‌کرده‌اند و مرمت یک مفهوم دائمی بوده‌است. چطور می‌شود که جامعه‌ی ما ذائقه‌اش را از دست بدهد به طوری که طرح رومی در ساخت و ساز مطرح شود. کارکرد معاصر شدن همانند

کارکرد سنت بوده است. مکانیزم اجتماعی سنت در حال حاضر از بین رفته است. تا پیش از سال ۱۳۰۰ معاصر شدن و سنت، ساز و کار یکسانی داشتند. معاصر شدن به معنای متحول شدن و به روز شدن پدیده‌ها با توجه به نیازهای جامعه است. در حالی که مدرنیزاسیون اقدامی است برای تغییر و تحول جامعه در یک قرن اخیر، که از راس هرم قدرت ابلاغ می‌شود.

- واژگان کلیدی کارگاه - شبکه معنایی

ما یک بخش از بحث را پشت سر گذاشته‌ایم و در رابطه با مبانی و ملزومات معاصر شدن معماری ایران صحبت کردیم. در این قسمت از کارگاه به تعریف و معرفی واژگان کلیدی که تشکیل دهنده شبکه معنایی پژوهش‌ها و فرضیاتمان هستند می‌پردازیم. اعضای کارگاه نیز واژگان مورد نظر خود را به اشتراک خواهند گذاشت.

- **توسعه** : توسعه‌ی فیزیکی، توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی نقش بسیار مهمی در چگونگی معاصر شدن دارند که اگر **منفعت عمومی** در آن مورد نظر قرار بگیرد نتیجه‌ی حاصل متفاوت با زمانی است که منفعت خصوصی ارجح تشخیص داده می‌شود..

- **شهر** : شهر در همه جای جهان و در طول تاریخ مقر قدرت و مقر ثروت بوده است. اینکه شهرهای جدید که نه شهر هستند و نه جدید، به علت آن است که نه به اندازه‌ی کافی در آن قدرت متمرکز می‌شود و نه ثروت. این مکان‌ها نه شهر، نه روستا و نه آبادی‌اند بلکه استقرار گسسته و منفصلی به شمار می‌آیند که جلوه‌ای از همزیستی را نیز در خود جمع کرده‌اند و در مواردی بیابان آپارتمان هستند. اجازه‌ی تاسیس فرمانداری و ادارات در این شهرها وجود ندارد. با توجه به تعریف معماری یعنی سازماندهی آگاهانه‌ی فضا در مقیاس خرد، سازماندهی آگاهانه در مقیاس کلان شهرسازی است. در طول تاریخ و فرهنگ اجتماعی یک مفهوم به نام معماری وجود داشته است اما تجاری شدن دانشگاه‌ها این مفهوم را از بین برده و ما در حال حاضر معماری داخلی، طراحی شهری، طراحی منظر، برنامه ریزی شهری و چندین رشته‌ی مشابه داریم. تمام این عبارتها بر محور ادراک فضایی معنا می‌یابند.

اکنون سه واژه‌ی معماری، معماری ایران و معماری معاصر ایران را معنا می‌کنیم. معماری ایران تا قبل از سال ۱۳۰۰ حضور عینی داشته است.

- **معماری:** معماری یک واژه‌ی عام است و در همه جای جهان یک معنی دارد. اما **معماری معاصر ایران** به این معنی است که در کلام وجود دارد اما عینیت خارجی ندارد. در این شبکه معنایی عبارت‌های **کیفیت زندگی و شیوه‌ی زیستن با عدالت اجتماعی** مرتبط است.
- **سرزمین:** در معنای کلی در رویارویی محیط طبیعی در برابر محیط مصنوع معنا می‌یابد. محیط مصنوع معادل حضور آدمی و دخالت او در محیط طبیعی.
- **نظام سرمایه داری:** کشور ما یک نظام سرمایه‌داری است اما یک ویژگی عمده، در بسیاری از کشورهای جهان نظام سرمایه‌داری وجه غالب تولیدی دارد اما در کشور ما وجه غالب، دلالتی، زمین و مستغلات است.

همانطور که صحبت کردیم سرچشمه‌ی همه‌ی سوء تفاهم‌ها **زبان** است، در عین حال برای برقراری ارتباط نیز هیچ چاره‌ای هم جز زبان نیست. باید بسیار مواظب باشیم که از زبان و کلمات درست استفاده کنیم و با تکیه بر شناخت و دانشمان سخن بیاوریم و نه از خیالاتمان و ایدئولوژی‌مان. در بحث بعدی ما در رابطه با تفاوت **نقش و وظیفه** صحبت می‌کنیم. به عنوان مثال کارمند اداره بودن وظیفه‌ی ماست در حالی که نقش ما چیز دیگری می‌تواند باشد. در رابطه با **ساختمان‌سازی، ساخت و ساز و مهندسی ساختمان** متوجه می‌شویم که از سال ۱۳۴۰ به بعد، به جای واژه‌ی معماری، ساختمان‌سازی نشسته‌است و ساختن بدون معماری آغاز شده‌است. ما در حال حاضر در دریای ساخت و ساز غرق هستیم. بحثی دیگر که باید به آن پرداخت، **دانش بومی** است که کشور ما صاحب و تولیدکننده‌ی آن بوده و ما آن را کنار گذاشته‌ایم. این را هم بگویم که در بحث **قوانین و مقررات** ما به اندازه‌ی کافی قوانین داریم تا معمار و شهرسازیمان به شکل درست باشد و عمدتاً این نقض قانون است که باعث بروز این وضعیت شده‌است.

- طی بحث‌های مطرح شده واژه‌ی **سنت** بهتر است به واژه‌های کلیدی اضافه شود. و در حقیقت سنت، ساز و کاری است که اگر از کارکردش محافظت می‌شد می‌توانست جامعه را در وضعیت مناسب‌تری جلو ببرد. ما در بحث‌های در پیش رو این واژه‌ها را هم اضافه خواهیم کرد: سنت، فرهنگ، سلیقه، سرمایه‌ی اجتماعی، فناوری، مفهوم جهانی شدن.

چند نمونه از معاصر شدن در معماری ایران

برای دور نشدن از بحث چند نمونه معاصر شدن را نام خواهیم برد. اولین بنا چهارطاقی نیاسر، مربوط به دوره‌ی ساسانیان است. مفهوم چهارطاقی بنایی است که از میان عناصر معماری عمدتاً سقف و کف را دارد و بدنه و دیوار در آن کمتر نقش ایفا می‌کند. در بیان امروزی هم، ما می‌توانیم سقف و کف داشته باشیم اما بدنه را به حداقل برسانیم.



تصویر ۲ چهارطاقی نیاسر مربوط به دوره‌ی ساسانیان

یک معمار فرانسوی به نام آندره گودار، جوهره‌ی معماری ایرانی را درک کرده‌است. در بنای حافظیه همان طور که در عکس دیده می‌شود می‌توان معاصر شده‌ی چهارطاقی را دید.

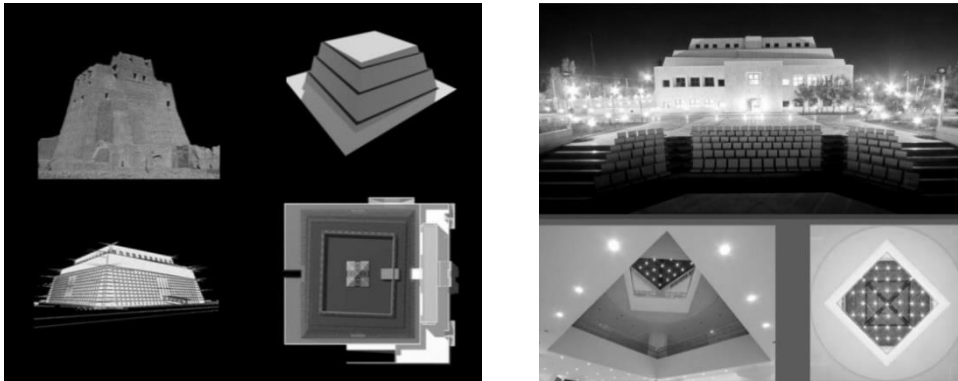


بنای بعدی که راجع به آن صحبت می‌کنیم آرامگاه خیام اثر هوشنگ سیحون در شهر نیشابور است. این بنا نمونه‌ی دیگری از چهارطاقی معاصر شده‌است. ترکیب خلاق و غیر متعارف از سقف و بدنه.

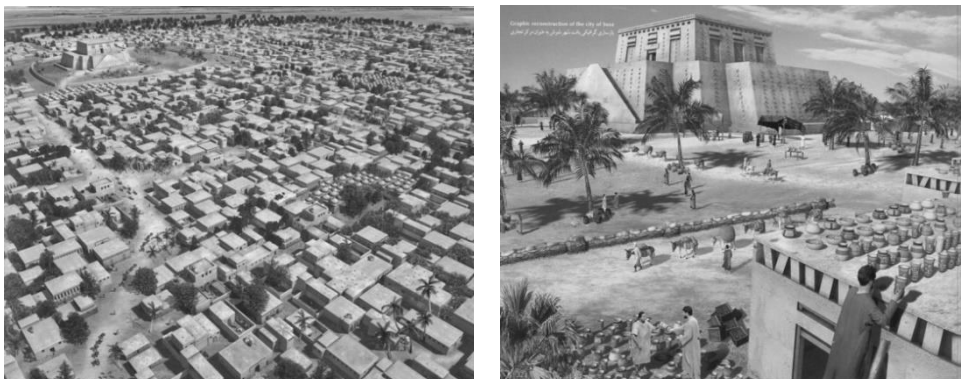


تصویر ۳. آرامگاه خیام در نیشابور

بنای بعدی ساختمان موزهی زاهدان است. معمار این بنا با توجه به شهرهای قدیمی ایلامی، توانسته به این ساختمان که در ابتدا یک اسکلت بتنی بوده است هویت بدهد.

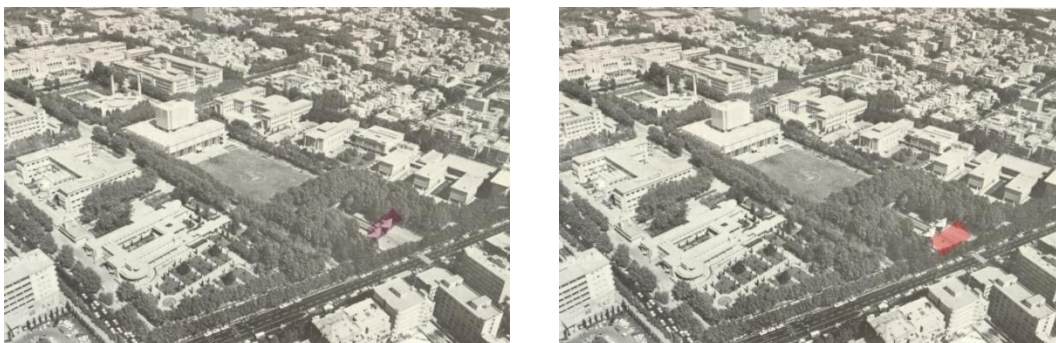


تصویر ۴. ساختمان موزهی زاهدان بر گرفته از شهرها و بناهای قدیمی ایلامی



تصویر ۵. شهرها و بناهای قدیمی ایلامی

دانشگاه تهران به عنوان بنای بعدی است که تعدادی از مفاهیم معماری ایران را در خود منعکس می‌کند. به عنوان مثال این دانشگاه از سمت خیابان انقلاب، جلوخان دارد. سپس به سردر می‌رسیم و بعد وارد حیاط مرکزی می‌شویم و می‌بینیم که هر ساختمان حیاط مختص به خود را دارد. اینگونه، تفکر معماری ایران در بناهایی که در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ ساخته شده‌اند قابل مشاهده است.



تصویر ۶. جلوخان در دانشگاه تهران به عنوان یک تفکر ایرانی



تصویر ۸. حیاط مرکزی



تصویر ۷. سردر

هر ساختمان در دانشگاه تهران حیاط مختص به خود را دارد

- جایگاه معماری ایران در جهان معاصر

علت اینکه ما در جهان حضور نداریم نشناختن خود است در حالی که ما در دوره‌ی صفویه حضور پررنگی در جهان معماری آن روزگار داشته‌ایم. در بنای اپرای سیدنی در کشور استرالیا که در مسابقات معماری رد شده بود و پس از بازنگری مسابقه توسط زیگفرید گیدئون انتخاب و ساخته شد، به گفته‌ی خود گیدئون نمای پنجم به عنوان یک مفهوم جدید در این بنا قابل مشاهده‌است.



تصویر ۹. نمای پنجم در مسجد جامع اصفهان



تصویر ۱۰. مفهوم نمای پنجم در اپرای سیدنی

اگر ما نویسندگانی متفکر و نظریه پرداز در معماری ایران در آن زمان داشتیم حتما می توانستیم ببینیم که نمای پنجم در بسیاری از بناهای معماری ایران قابل مشاهده است. به عنوان مثال در مسجد جامع اصفهان، در خانه های گرگان، در کاروانسراها و تیمچه های کاشان نمای پنجم قابل مشاهده است.

تعاریف

مطلب از این قرار است که شناخت معماری گذشته به معنای بازگشت به گذشته نیست. در این گفت و گو سه تعریف کلیدی داریم که اولین آن معماری است یعنی سازماندهی آگاهانه فضا که بخشی از آگاهی اجتماعی است. دوم معماری ایران است که سازماندهی آگاهانه فضا است که این آگاهی، آگاهی بر سرزمین، آگاهی بر زندگی و آگاهی بر معنا و فرهنگ را شامل می شود. این آگاهی اگر ایرانی باشد معماری ایرانی است. سوم تعریف معماری معاصر متأخر ایران که مجموعه ساخت وسازهای شهری و روستایی پس از ۱۳۴۰ ه. ش است. که این معماری مصداق بیرونی و جامعه شمول نیافته و واقعیت عینی ندارد.

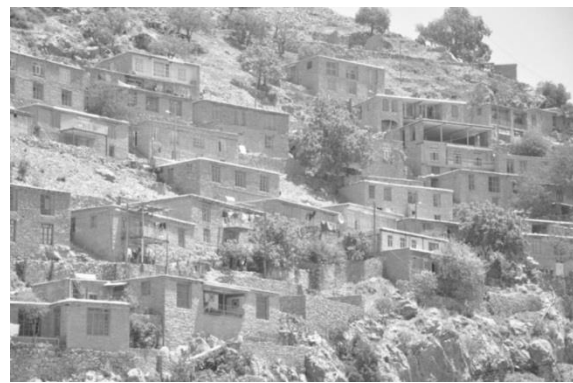
معاصر شدن معماری ایران در بیرون از مرزها

در این قسمت به نمونه هایی در سایر نقاط جهان اشاره می شود که به نوعی با ایده ها و مفاهیم موجود در معماری ایران مرتبط هستند. Mountain Dwellings از گروه معماری معاصر BIG با استفاده از این ایده که سقف خانه های هر خانوار حیاط خانه ی دیگریست، بنایی مشابه با خانه های اورامان تخت در کردستان را ساخته است. همانطور که گفته شد ایده های معماری ایران می تواند در نقاط مختلف جهان متجلی شود.

در مینیاتورهای ایرانی، درخت بخشی از بنا محسوب می شود و این از جمله ویژگی های معماری ایران



تصویر ۱۱. بنای Mountain Dwellings از گروه معماری BIG



تصویر ۱۲. خانه های اورامان تخت در کردستان

بوده است. در سال ۱۹۵۰ در پاولیونی در سوئیس توسط لوکوربوزیه، به وضوح درخت را در ترکیب با بنا مشاهده می کنید.

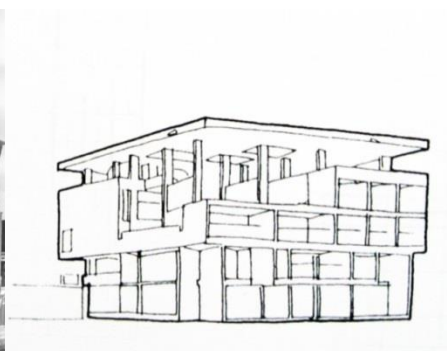


تصویر ۱۴. وجود درخت در
مینیا توره‌های ایرانی



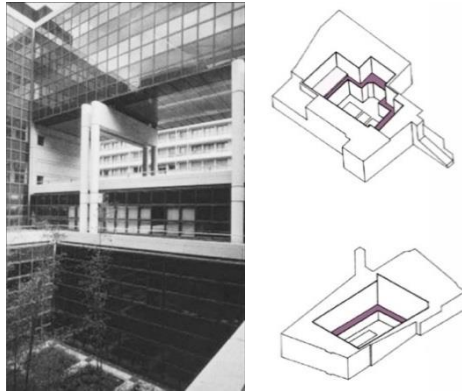
تصویر ۱۳. پاولیون لوکوربوزیه در
سوئیس

در برخی از نمونه‌های معماری ایرانی، شاهد ایوان‌های مشرف به منظر هستیم. منظر و چشم انداز جزء لاینفک معماری ایران بوده‌است. این مفهوم را می‌توان در ویلا شودان لوکوربوزیه که در هند ساخته شده‌است دید.



تصویر ۱۵. راست: ویلا شودان اثر لوکوربوزیه - ۱۹۹۵، چپ: مفهوم ایوان مشرف به منظر

گودال باغچه یکی از الگوهای فضایی معماری ایرانیست که در کاشان به پایین بالا معروف است. نمونه‌ی تحقیق یافته‌ی این مفهوم را در معماری معاصر جهان می‌توان در وزارت دارایی پاریس اثر شیمتوف مشاهده کرد. از فواید الگوی معماری گودال باغچه می‌توان به عنوان یک راهکار اقلیمی، مقاومت در برابر زلزله، افزایش بهره‌برداری از فضا و غیره اشاره کرد.



تصویر ۱۶. راست: الگوی گودال باغچه، چپ: وزارت دارایی - پاریس

از ضروریات یک کلانشهر آپارتمان سازی است. حیاط در اکثر خانه‌های ایرانی وجود داشته‌است. اما چگونه می‌توان حیاط را به ارتفاع برد. حضور فضای باز در طبقات از خواسته‌های معماری به نام CHARLES CORREA بود که در نهایت منجر به ساخت آپارتمان Kanchanjunga شد. در این آپارتمان یک حیاط در کنج یک آپارتمان ۳۳ طبقه برای هر واحد در نظر گرفته شده‌است.



تصویر ۱۷. حیاط در طبقات یک واحد آپارتمانی

در هبیتات ۱۹۶۷ توسط معمار موشه سفدی در مونترال ایده پیاده‌راه در ارتفاعات را دارد که از پروژه‌های قابل ملاحظه‌است.



تصویر ۱۸. هبیتات ۱۹۶۷ در مونترال - پیاده‌راه در ارتفاعات

بانک تجارت ملی در شهرجده، مربوط به سال تقریباً ۱۹۸۰ می‌شود. تمام ایده شکل‌گیری این بنا همانند یک بادگیر عمل می‌کند. به این گونه که در راس این بنا حفره‌ای در نظر گرفته شده و سایر اجزاء اطراف این حفره سازمان یافته‌است. این بنا از هر جهت سه نما دارد و ارتفاع آن ۳۰ طبقه‌است. انتقال هوا از طریق این حفره به گونه‌ای است که اختلاف حرارت از ابتدای حفره به انتهای آن ۱۰ درجه تغییر می‌کند.



تصویر ۱۹. بانک تجارت ملی در شهر جده

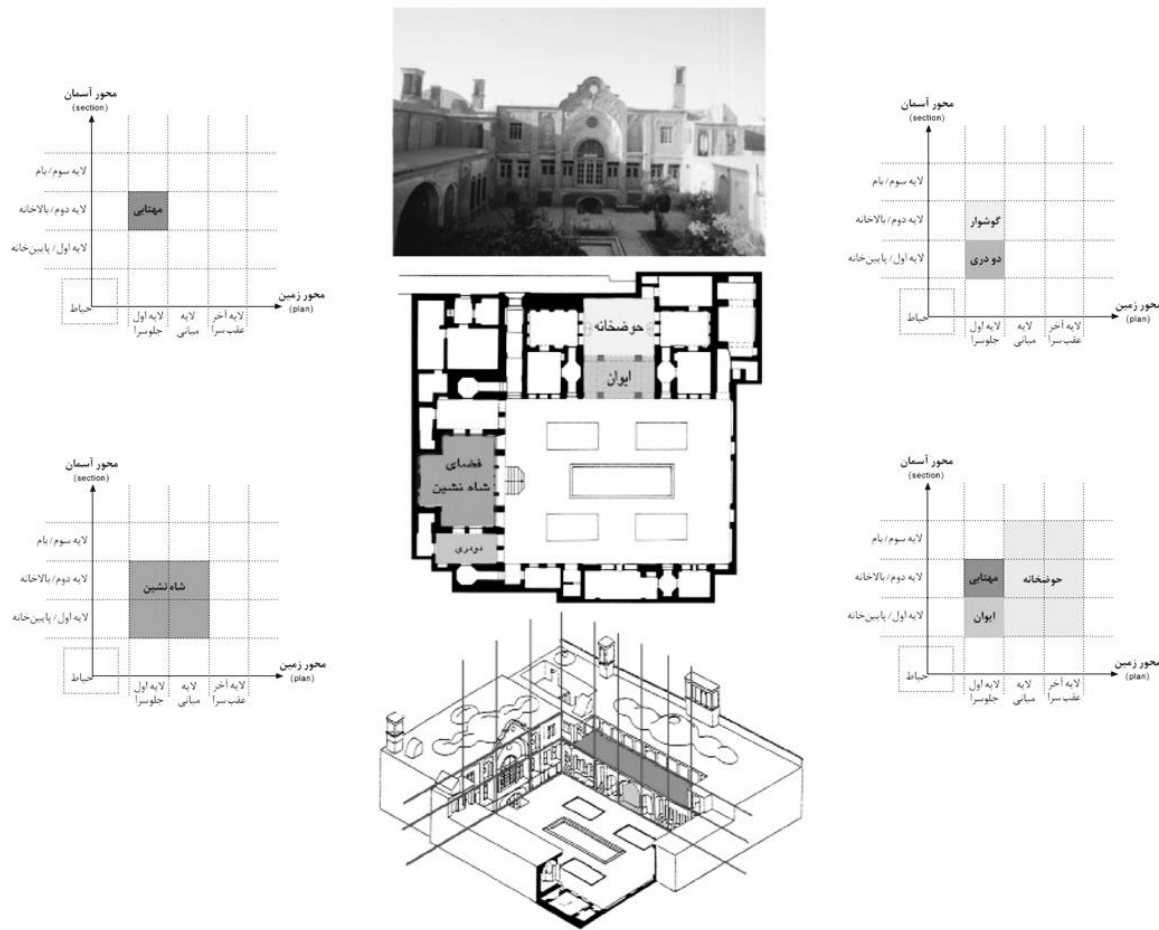
گروه ذکر شده در شهر جده ترمینال یک فرودگاه را با سازه‌های پارچه‌ای طراحی کرده‌است.



تصویر ۲۰. فرودگاه بین المللی King Abdul Aziz

معماری ایرانی فضا را چگونه به کار گرفته است (رفتار معماری ایران با فضا)

فرآیند طراحی برای معماران ایرانی پیش از سال ۱۳۰۰ به هنگام مراجعه یک کارفرما (مقتضی) و پس از در اختیار گرفتن زمین (این زمین که معمولاً زمین کشاورزی بوده، قناسی داشته و مشابه امروز تفکیک شده و مربع مستطیل نبوده است)، در اولین اقدام بر اساس معبر و تشخیص ورودی و با توجه به شبکه‌های فضایی که در ذهن داشته که ترکیبی از جهات اقلیمی، جهات مقدس و آئینی و مختصات همجواریها بوده، دقیق‌ترین جای حیاط را مشخص می‌کرده است. علت آن را می‌توان ارجحیت خالی بر پر و فضا بر توده را در معماری ایرانی دانست و به این ترتیب سایر بخش‌های معماری در اطراف حیاط شکل می‌گرفت. در معماری ایرانی هرگز ورودی مستقیم به حیاط نداشته‌ایم بلکه نسبت به حیاط لایه‌هایی از شبکه‌های فضایی بر اساس حریم‌های عمومی (خانواده و مراجعین) و خصوصی (در طیف‌های نیمه خصوصی و کاملاً خصوصی) با نام‌های جلوسرا، لایه‌های میانی و عقب‌سرا شکل می‌گرفت. معمار ایرانی برای سازماندهی فضاها در ذهن خود دو محور زمین و آسمان را در نظر می‌گرفته است. اتاقی که مورد استفاده‌ی روزانه بوده (سه دری) در پایین خانه و جلوی حیاط قرار می‌داده است. برای اتاق خلوت، پس اتاق وجود داشته که جزئی از عقب‌سرا بوده است. او برای صرفه‌جویی در انرژی و بهره‌برداری کافی از طبیعت میزان خاک، سبزه و بارندگی را در یک محور و میزان تابش و بارش و وزش در محوری دیگر در نظر گرفته و آن‌ها را ترکیب می‌کرده و سازمان می‌داده است. مسیر حرکت خورشید، زمستان نشین را مشخص می‌کرده است و ما هرچه در محور عمودی به سمت بالا حرکت می‌کردیم، از جلوسرا دور و به حریم‌های خصوصی‌تر نزدیک می‌شدیم.



نمودار ۵. معماری ایرانی فضا را چگونه به کار گرفته است

سه گونه فضا در معماری ایرانی که قبلا هم ذکر شد هر کدام نمایندگی داشتند. به عنوان مثال ایوان نماینده فضای باز در پایین خانه و مهتابی نماینده فضای باز در بالا خانه است. پشت بام ها فضایی باز برای ارتباط شهر بوده اند. هر یک از فضاهای بسته، باز و سرپوشیده، خود اجزاء کوچکتری داشتند به عنوان مثال فضای بسته در مقیاس کاملا خصوصی، پس اتاق، در مقیاس عمومی تر برای خانواده، سه دری و در مقیاس بزرگتر شاه نشین و تالار بوده است.

با ورود نظام متریک، ما تمام نظام اندازه گیری خود را از دست دادیم. نظام اندازه گیری ما در آن زمان گز، زرع، چارک و ... بوده است. در حال حاضر هر زرع به متر اندازه گیری می شود. این مطلب به این معناست که ما نظامی داشته ایم که اندازه گیریمان در طول تاریخ بر اساس چگونگی حضور، رفتار و بدن یک انسان ایرانی

بوده‌است. به عنوان مثال مقیاس قالی‌ها به اندازه اتاق مربوط می‌شده و در اتاق‌ها میان اندازه و کنار اندازه نشان-دهنده محل نشستن و حرکت بوده‌است. با بومی نشدن نظام اندازه گیریمان، تناسباتی که با آن بزرگ شده بود ایم را نیز از دست دادیم و مهمتر از آن روابط منتج از و مرتبط با آن را.

خانه‌ی عطارها ایست که من در حد فاصل ۱۳۵۰ و ۱۳۷۰ در آن زندگی و رفت و آمد داشتم و از طریق اسکیس‌های نظری، شناخت معماری ایران را کسب کردم و هنوز نیز در حال افزودن بر این شناخت و نقد دانسته‌هایم هستیم.



نمودار ۶. خانه عطارها - تصویر در حد فاصل ۱۳۵۲-۱۳۷۰



تصویر ۲۱. اتاق سمت چپ، حوضخانه و تصویر سمت راست پس اتاق است که فضایی بسیار خصوصی محسوب می‌شده..

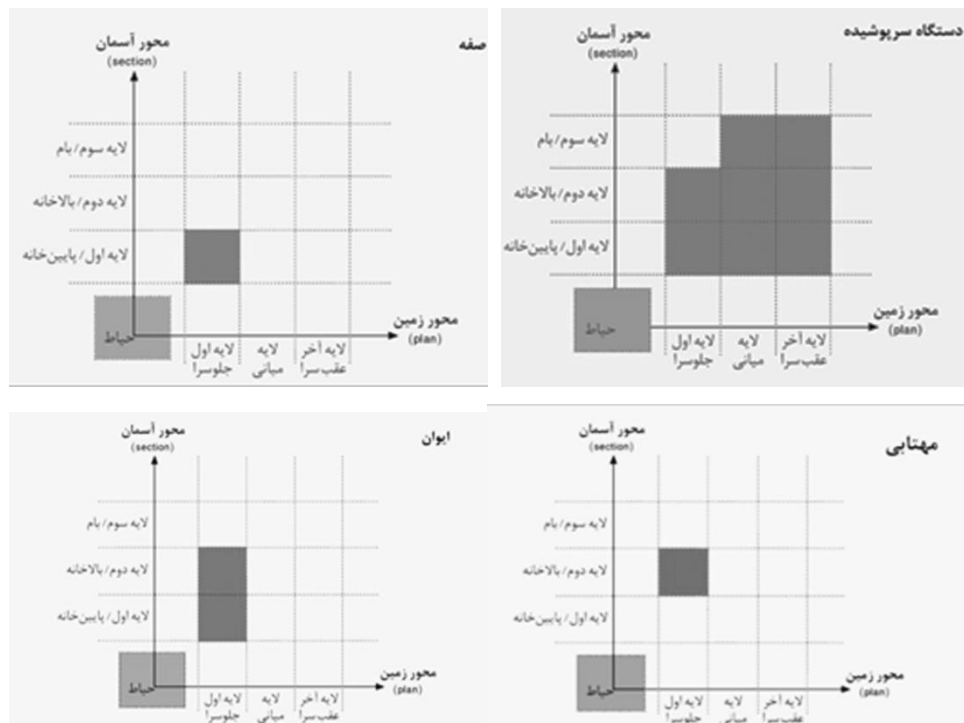
سطوح متعدد فضاهای باز

هر طبقه از زیگورات چغازنبیل که بالا می‌رود یک معنایی می‌تواند داشته باشد. اینها مفاهیمی از آسمان و زمین هستند که در آیین‌هایمان کاربرد داشته‌اند. به این ترتیب مفهوم معماری بالا، بالاتر، پایین، پایین‌تر و لایه لایه بودن مانند زیگورات معانی تازه از معماری ایران به دست می‌دهد. نام داشتن لایه‌های فضایی عمودی و افقی از اهمیت بسیار برخوردار است



تصویر ۲۲. سطوح متعدد فضاهای باز

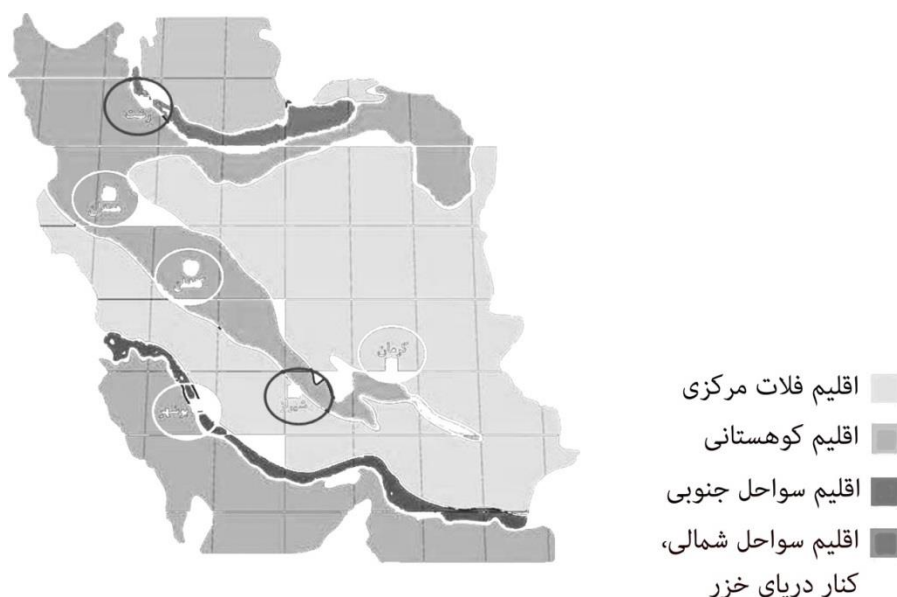
عمیق شدن در نام ها و نامگذاری فضاها ما را به معنا ها و مفاهیم معماری ایران نزدیک می کند . به عنوان مثال اطلاق یک نام مانند اتاق ناهار خوری در حقیقت محدود کردن تحقق عملکردها در یک فضا، در حالی که هر فضا می تواند انواع عملکرد ها را در درون خود محقق سازد . در معماری ایران با نام های عملکردی رو به رو نیستیم. با نام هایی مانند مختابی، شاهنشین، پنج دری، پس اتاق و ... رو به رو هستیم.



نمودار ۷ شبکه استقرار جزء فضاها (الگوهای فضایی)

معرفی یک تجربه

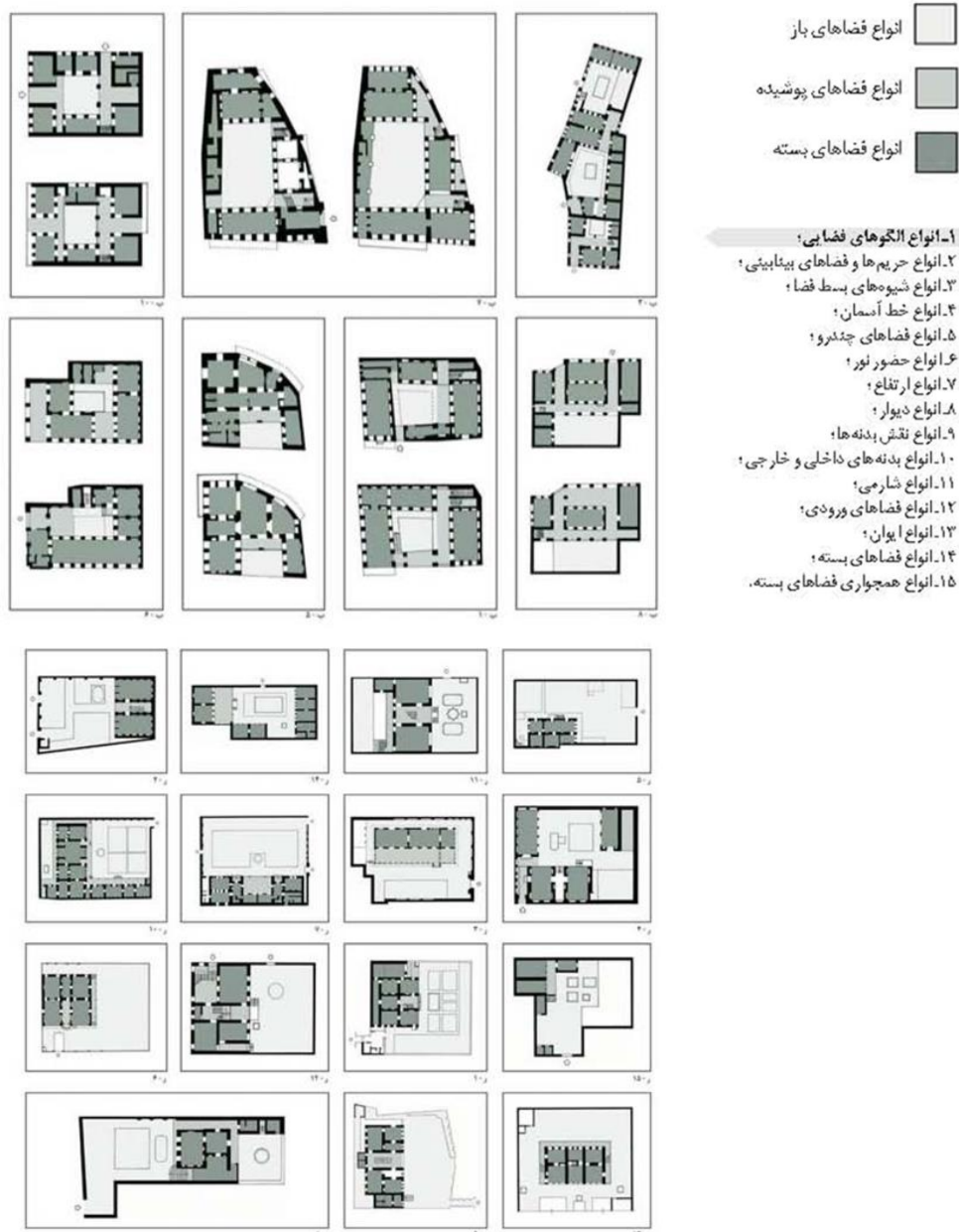
در تهیه و تدوین کتاب خانه، فرهنگ و طبیعت شش شهر با اقلیم‌های متفاوت را مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. از میان شهرهای بوشهر، رشت، شیراز، اصفهان، کرمان و همدان، ۸۷ خانه‌ی تاریخی انتخاب شده‌اند و پس از بررسی‌های گونه‌شناسی، انسان‌شناسی و نشانه‌شناسی، در تمامی این خانه‌ها به ضرورت حضور سه گونه فضای باز، بسته و پوشیده، متناسب با روحیه اقوام ایرانی در مسیر زندگیشان پی برد



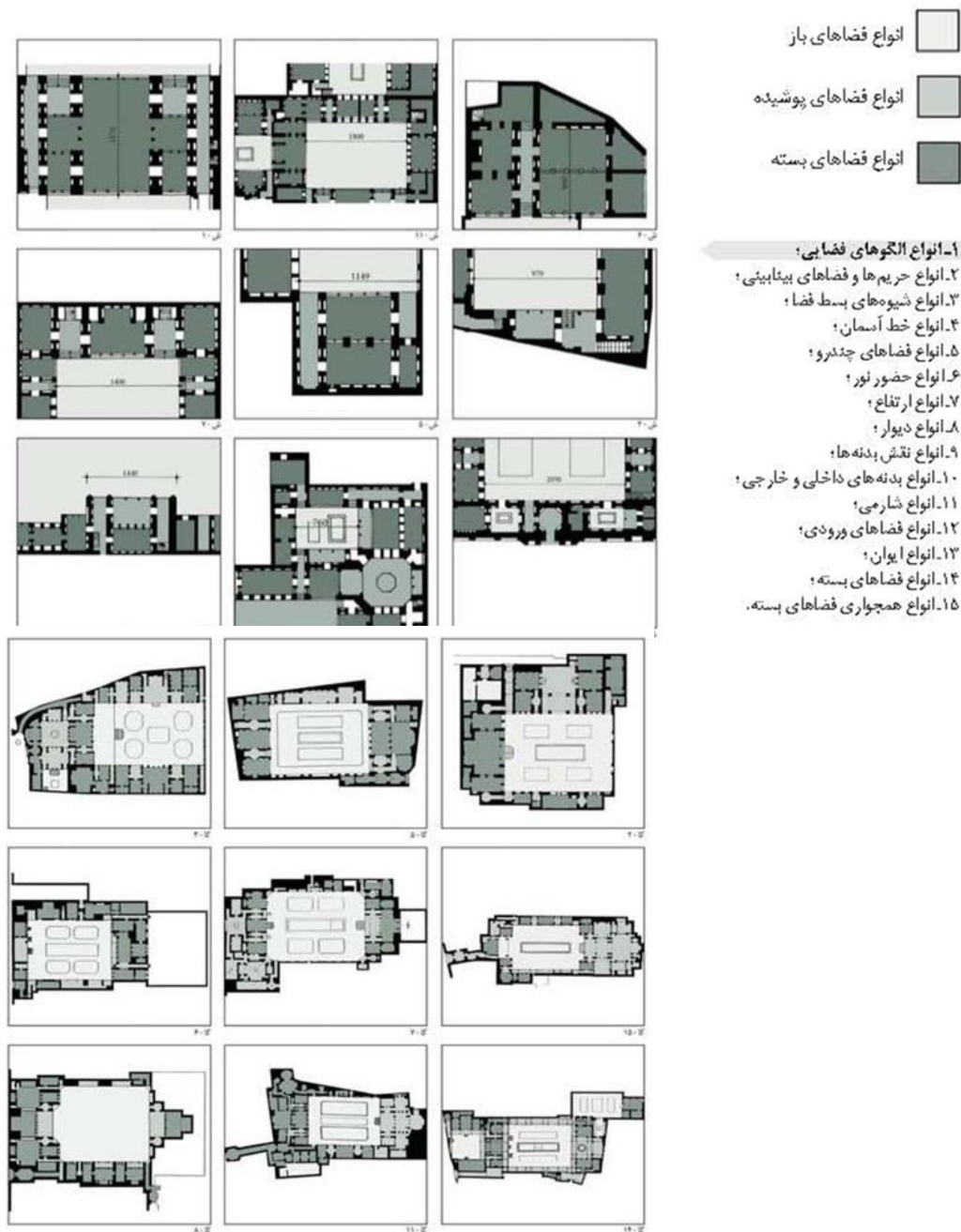
تصویر ۲۲ موقعیت مکانی اقلیمی شهرهای مورد بررسی

گونه‌شناسی تعریف انواع الگوهای فضایی باز، بسته، پوشیده

بر اساس مستندات باستان‌شناسی از مراحل آغازین معماری ایران تا عصر حاضر، از میان آنچه ساخته شده یا نشانه‌هایی از آنها باقی مانده، فضا، تنها مصالحی است که باقی مانده‌است. نور و فضا مصالح اصلی و ماندگار در معماری ایران هستند.



تصویر ۲۴. بوشهر و رشت



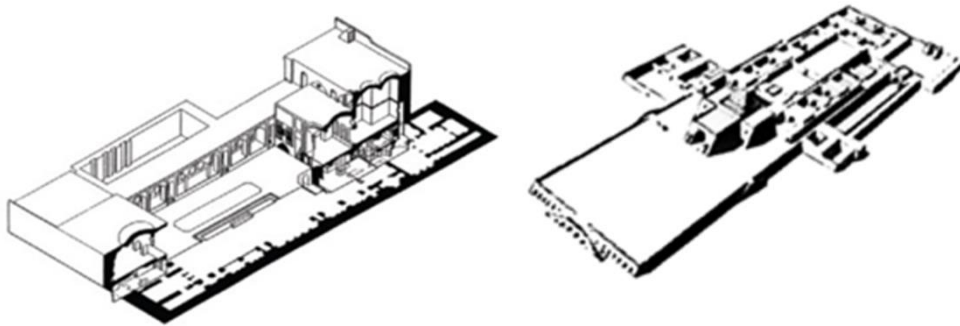
تصویر ۲۵. شیراز و کاشان



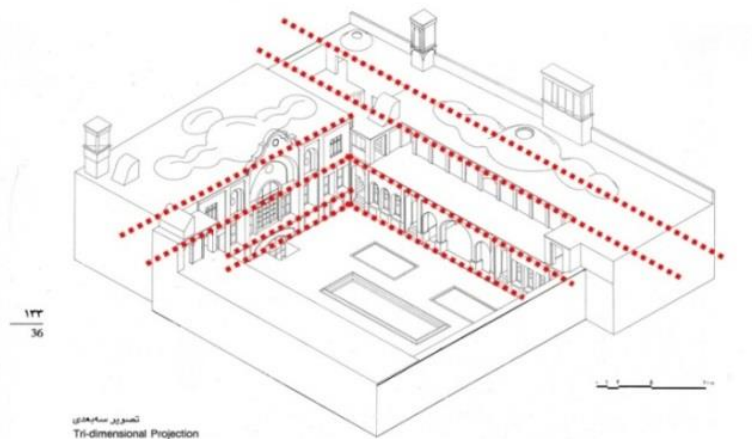
تصویر ۲۶. همدان و کرمان

شبکه نامرئی از قلمروهای انسانی

اسکیس‌های نظری که در اینجا ارائه می‌شود می‌کوشد شبکه نامرئی حاکم بر سازماندهی فضا در معماری ایران را کشف و معرفی می‌کنند. از این دیدگاه، کل هدفی که معماری ایران دنبال می‌کرده‌است، هدفی بوده برای "تعداد وجود آدمی". انسان در اینجا هم محترم بوده و هم در مرکزیت قرار داشته‌است. این احترام و این مرکزیت در شهرها و بناهای دوره مادها و پیش از اسلام و حتی در باغ فین مشاهده می‌شود. در حقیقت فضاهای پر، فضاهای خالی را در بر می‌گیرند و فضاهای خالی، فضاهای پر را و بر این اساس معانی روابط انسان در این فضاها منعکس می‌شود. با آن معماری واع به عنوان مثال در تصویر زیر فضایی وجود دارد به نام خلوت کریمخانی. خلوت کریم خانی بعد از معماری زند شکل گرفت. این نمونه فضایی در کاخ گلستان نیز دیده می‌شود. حائز اهمیت است که امیر کبیر قبل از زده شدن رگش به مدت چند سال در این مکان زندگی کرده‌است. خلوت یکی از معانی انسانی است که برای نامیده شدن فضا مورد استفاده قرار گرفته‌است.



تصویر ۲۷. راست: عمارت خسرو در قصر شیرین - بنای پیش از اسلام، چپ: خانه صالح در کاشان - بنای دوره قاجاری



تصویر ۲۸. شبکه فضایی

این مطالب گفته شد تا بدانیم مراد این کارگاه از معماری ایران، سازمان‌یابی تاریخی و اجتماعی فضا در ایران است. این سازمان‌یابی الگوهای فضایی و شیوه‌های توانمند کردن فضا، متناسب با شیوه‌های زندگی مردمان این سرزمین و بهره‌مندی از توان‌های آن را در بر می‌گیرد.

تحول رخ داده در یک قرن

ما، یک صورت و ساختار نظام یافته و موزون داشته‌ایم، اما اکنون به وضعیت درهمی که ساخت و ساز معاصر ما را شکل می‌دهد رسیده‌ایم. در نیم قرن اخیر سرمایه‌داری در ایران به جای اینکه به سمت تولید جهت بگیرد به سمت مستغلات و بورس بازی زمین و ساختمان رفته و سود خود را در تخریب جنگل‌ها و یا زمین‌های کشاورزی جستجو می‌کند و در آن‌ها به ساخت و ساز می‌پردازد.

پرسش و پاسخ

پرسش: آیا مسئله فرهنگ در این زمینه تاثیر دارد؟ مثلاً در کشورهایی مثل ژاپن و آلمان نسبت منافع عمومی و منافع شخصی چگونه‌است؟

حائری: مسئله فرهنگ نیز در این زمینه تاثیر دارد و تقریباً تاثیر فرهنگ در حال حاضر مسئله ثانویه‌است. وجدان اجتماعی ما در مقوله فرهنگ به فکر تظاهر و نمایش است و یا اینکه معیار قضاوت و ارزیابی‌اش فرهنگ نیست. منافع شخصی، منافع عمومی را نادیده می‌گیرند.

پرسش: شما در گفته‌هایتان اشاره کرده اید که فضای خصوصی عقب‌تر و فضای عمومی جلوتر واقع شده؟

حائری: می‌خواستم بگویم حریم دو قلمرو زندگی رعایت شده‌است. حریم خصوصی جای مشخص دارد. حریم عمومی نیز جای مشخص دارد و فاصله بین حریم نیز به توسط فضایی جدا مشخص شده‌است. لذا ما می‌توانیم فضاهای مشخص و سازمان‌یافته برای حریم انسان‌ها داشته باشیم.

پرسش: به نظر می‌رسد در هر راهرویی یک فضای عمومی نیز وجود دارد و هشتی‌ها در خانه پراکنده هستند، داخل گوشواره‌ها نیز یک فضای عمومی وجود دارد، آیا اینگونه‌است؟

حائری: ملاک شما بیشتر خانهٔ بروجردی ها می باشد. در این پژوهش از ۸۷ خانه مثال زده شد و در اینجا نکته ای که بسار مهم است این است که با غلام گرد نمی توان از فعالیت های اصلی که در فضای عمومی صورت می بگیرد، عبور کرد. خیلی اوقات این غلام گرد می تواند با فضای داخلی ادغام شود.

پرسش: اگر بخواهیم فضای داخلی خانه را نگاه کنیم، پر از نقاط گوناگون و ریز فضا می باشد. به نظر شما منطق این قضیه چه بوده است؟

حائری: رعایت حریم عمومی و حریم خصوصی.

پرسش: منظور شما حریم انسانی است؟

حائری: مقصود این است، وقتی مهمانی داریم، این مهمان ها لزومی ندارد وارد یکسری حریم خصوصی شوند و مکان هایی هستند که فقط باید پدر و مادر یا نو عروسان نوجوان در آنجا حضور پیدا کنند. این مسائل نشان دهنده رعایت تمامی حرمت های روابط انسانی می باشد. در معماری ایران حریم انعکاس فضایی حرمت است، حرمت انعکاس اجتماعی حریم می باشد. این مهمترین درس معماری ماست که هم جامعه را احترام می گذاریم و هم فضا را و هنگامی که این دو امر رعایت می شود، آنگاه معنی کلمه ی حضور انسان معنا می یابد که برای فعالیت های خصوصی و فعالیت های عمومی جای مشخصی در نظر گرفته شده است.

پرسش: آیا می توان در نظر گرفت که فضاها براساس نیازهای انسان شکل گرفته اند، به عنوان مثال در قدیم کارگاه های ریسندگی در خانه ها وجود داشته است.

حائری: در معماری ایران نکاتی از این قبیل بسیار است. هم نیاز جسم که یکی از پایین ترین رده های خواست آدمی می باشد و هم روح آدمی باید در این موارد در نظر گرفته شود. در این زمینه سه رده قابل تفکیک هستند: نیاز، تقاضا و خواست و هر کدام از این ها به درجات بالاتری از احتیاجات انسانی اشاره دارند. در معماری ایران شما می توانید فعالیت خود را خلق کنید، روحتان بشکفتد و به سوالات پاسخ دهید. البته ایراداتی نیز وجود دارد. مثلاً در مورد سرویس بهداشتی در معماری ایرانی ایراد داریم و در مورد چگونگی معاصر شدن آن بحث خواهیم کرد. به هر صورت نیاز پایین ترین سطح خواست انسان می باشد. آدمی به سطوح بالاتری از این ها احتیاج دارد.

پرسش: مثلاً انسان نیاز داشته است که فضای سبز را به خانه بیاورد و باید راه حلی را ارائه می داده است تا نم به پی نرسد، برای همین به نیاز خود احترام گذاشته و آن را به مرحله عمل رسانده است.

حائری: کاملاً درست است. چون که صد آید نود هم پیش ماست. وقتی می توانید برای ساحت بالاتری از انسان معنی پیدا کنید مسلماً نیازهای پایین تر نیز جواب داده خواهد شد. فرض کنید لغت شاه‌نشین. چرا اسم این محدوده شاه‌نشین می باشد؟ چون بالاترین احساس‌های احترام و غرور را در مقیاس جمعی برای افراد خانه مهیا می کند. پس کلمه ی نیاز در اینجا قادر به معرفی این وضعیت‌ها نیست. هنگامی که حافظ در شعر خود می خواهد بگوید یار در پیش من مقام والایی داری، می گوید: شاه‌نشین چشم من تکیه گاه خیال توست.

پرسش: منظور از نیاز آن چیزی است که از درون انسان برخاسته است. انسان‌ها فراموش کرده اند که چه کسی هستند و چه می خواهند.

حائری: اتفاقاً معماری می تواند به آدم‌ها این امر را متذکر شود. جامعه انسانی جامعه‌ای است هزار طرفی. هم باید شهر درست جواب دهد هم معماری و هم آموزش. در جایی که انسانی قدرت تمیز دارد باید خودش صمیم بگیرد. مثلاً در مسجد شیخ لطف الله انسان در محضر چیزی است که باید بشیند و فکر کند و در بنا حضور پیدا کند. در این جا معماری است که به ما متذکر می شود، شما چه کسی هستید.

پرسش: خود مسجد شیخ لطف الله توسط یک فردی ساخته شده و آن فرد متوجه این ویژگی‌ها شده است.

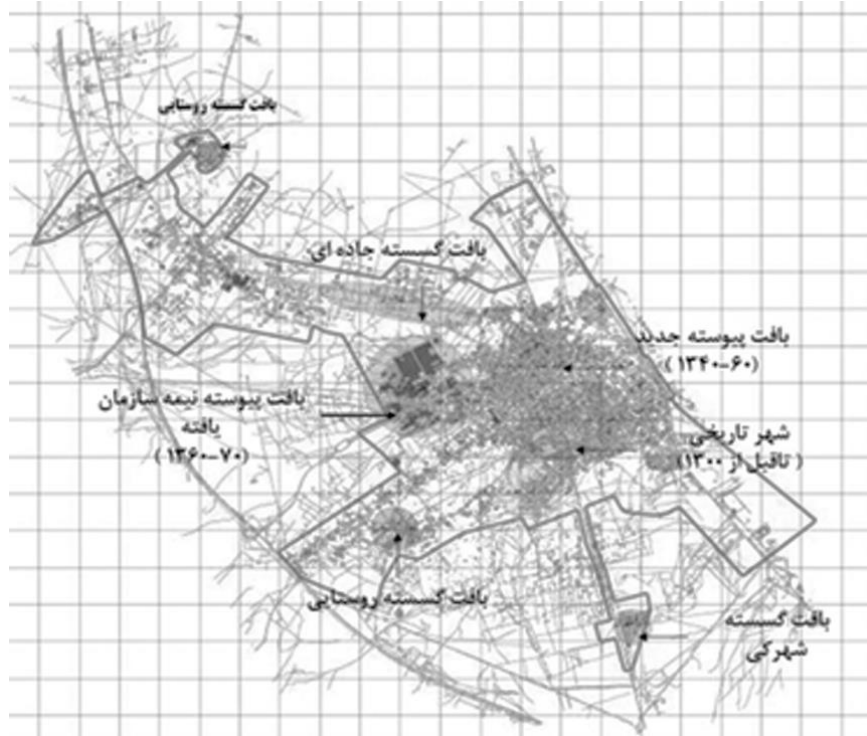
حائری: دقیقاً همین موضوع مد نظر است، این مسئله رابطه ی متقابل است. انسان آن را می سازد و بعد آن بنا به ما متذکر می شود. کافی است که ما به تذکر مسجد شیخ لطف الله گوش دهیم.

معماری معاصر

طی بحث هایمان بین معماری ایران و معماری معاصر فرق گذاشته شد. حال می خواهم درباره معماری معاصر صحبت کنیم. تصویر زیر بافت قدیمی کاشان را نشان می دهد. لایه‌های هویت شهر ایرانی شامل معنا، زندگی و سرزمین بوده است. پس از اتفاقات سال ۱۳۰۰ به بعد این لایه‌ها شروع به حذف شدن می کند.

- تبدیل پیوستگی به گسستگی از دهه ۶۰
- تبدیل تعادل در بارگذاری بر سرزمین به زیاده روی در مصرف زمین
- تبدیل حریم‌ها (مزارع و باغات...) به ساختمان
- ساختمان سازی بدون رعایت سازگاری و یکپارچگی سازه و سازمان فضایی

این عکس جدید به شهر کاشان مربوط می شود که بافت تاریخی حدود ۵۰۰ هکتار مساحت داشته است، بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ بدون رعایت سرزمین، گذشته و فرهنگ، مساحت شهر کاشان ۸۵۰۰ هکتار رشد پیدا می کند.



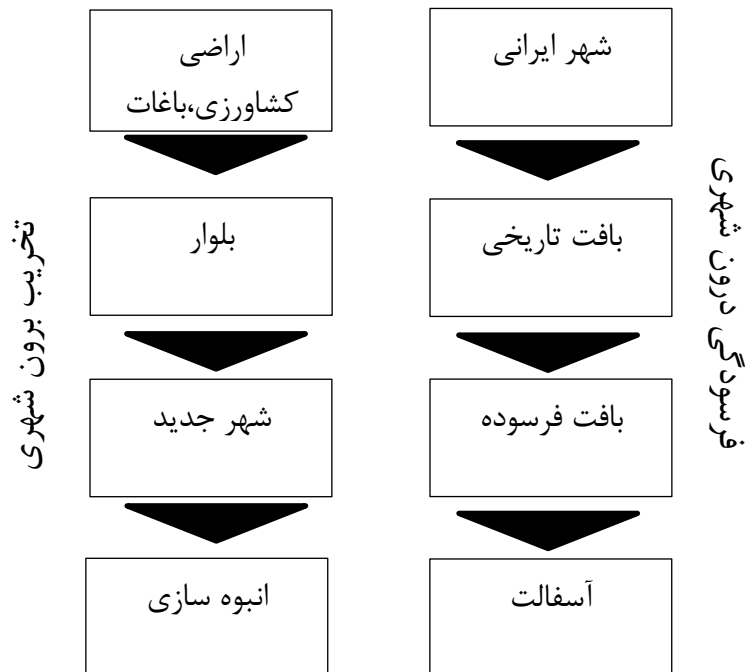
تصویر ۲۹. کاشان در نیم قرن گذشته بدون رعایت سرزمین، گذشته و فرهنگ کاشان رشد کرد



تصویر ۳۰. کاشان در نیم قرن گذشته بدون رعایت سرزمین، گذشته و فرهنگ کاشان رشد کرد

شهر ایرانی شکل متوازی داشته‌است اما از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ با ورود اتومبیل رشد آرام شهر دچار تغییر می‌شود و بعد با آمدن طرح جامع و به موازات رشد سریع شهر، انواع بارگذاری‌ها در مرکز و پیرامون شهر شکل می‌گیرد. بافت حومه ای در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ پدیدار می‌شود، در نتیجه انواع بافت‌های گسسته شکل می‌گیرد، ساختن بدون معماری گسترده‌تر می‌شود و فرسوده سازی مسکونی پدید می‌آید. همانطور که می‌دانید بافت مسکن مهر، نوساز فرسوده محسوب می‌شود.

این گونه، رشد شهرهای ایرانی نیمه تمام رها می‌شود و طرح‌های جامع و شهرهای جدید شروع به شکل‌گیری می‌کنند و توسعه و گسترش درون شهری و برون شهری تقریباً تمام سرزمین را به اراضی قهوه ای (brown land) تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی ما شهر ایرانی را- با توجه به تفاوت‌هایی که در سازماندهی فضا با رشدهای روحی دارد- بافت تاریخی می‌نامیم. یکی از بزرگترین افتخارات شهرداری ها منجمله کاشان این است که خیابان را آسفالت کرده اند. ایدئولوژی آسفالت این است که هرچه من بیشتر آسفالت کنم شهردارتر هستم در نتیجه هم در عمل و هم در قانون، شهرداری با میراث فرهنگی رفتاری خصمانه در پیش می‌گیرد. بدین ترتیب ما اراضی باغی و کشاورزی خود را تبدیل به بلوار کرده ایم. شهر جدید ساخته ایم که نه شهر است و نه جدید بلکه انبوه سازیست؛ مسکن مهر فرزند خلف همچنین اتفاقاتی می‌باشد که به نوسازی فرسوده منجر شده‌است.



نمودار ۸. نحوه رشد شهرهای ایرانی

گرایش به فعالیت‌های عمرانی برای ما مهم تر از کیفیت زندگی می باشد. اگر قبل از سال ۱۳۰۰ توازن و انسجام در فضا وجود داشته‌است و انسان به آن تعلق داشته، امروزه تملک بر فضا پدیده غالب می باشد. عملکردها محدود شده‌اند. واگرایی تاسیسات، مصالح، تجهیزات و مبلمان و غیره باعث به وجود آمدن زندگی پیچیده ای می شود و این است که صورت و ساختار و نظام معنایی که قبل از ۱۳۰۰ وجود داشته‌است، امروز به یک بهم ریختگی و آشفتگی و "سست مدرنیزم" بدل شده. در نتیجه، با ورود اتومبیل، یکی یکی لایه ها از بین می‌رود، ساختار و گردش سرمایه، شهر نشینی و مالکیت خصوصی پدید می آید. در گذشته شهر آگاه می‌کرد اما در حال حاضر شهر آزار می‌دهد به این ترتیب لایه‌های هویتی شهر از بین می رود و شهر شکل نامتعارفی به خود می گیرد. توسط این جریان که هر گروهی مدیریت شهری را به عهده می‌گیرد، بانک‌های امروزی از جمله بانک کاشان که در دوره ای بهترین ابنیه را داشته اند اکنون به شکل تصویر زیر درآمده اند.



تصویر ۳۱. آسیب شناسی ناشی از ایجاد چند پارگی در مدیریت شهری - بانک تجارت در کاشان

این تعریف از معماری معاصر حضور اعضاء کارگاه ارائه می‌شود:

معماری معاصر عبارت است از: تحقق سازمان‌یابی آگاهانه فضا مبتنی بر فرهنگ و شیوه زندگی مردم سرزمین و بهره‌مندی از توان‌های محیطی آن با استفاده از معماری بومی و جهانی که باعث اعتلای کیفیت زندگی می‌شود. چنین وضعیتی در دوران معاصر کشور ما اتفاق نیفتاده‌است و واژه معماری معاصر در غالب کلام و نوشته می‌آید ولی در عینیت، عصریت معماری ایران تحقق نیافته‌است.

پرسش و پاسخ

پرسش: ما در معماری گذشته پلانی را به عنوان پلان مبلمان نداشته ایم ولی اکنون مبلمان است که طراحی معمارانه را تحت تاثیر قرار داده‌است.

حائری: اشیاء در گذشته به اندازه امروز در زندگی داخل خانه نقش ایفا نمی‌کرده‌اند. سازمان‌یابی فضا تا آنجا که به شیوه‌ی زندگی مربوط می‌شده، خود امکانات اشیاء را مانند کمد و صندلی در اختیار قرار می‌داده‌است. کمد ها داخل دیوار قرار داشته‌اند. کته چینی اصطلاحی است که به قفسه‌های گچی آشپزخانه‌ها گفته می‌شده، در نتیجه معماری پاسخ‌گو بوده‌است.

پرسش: ما اکنون با فضاهای مختلف آشنا شده ایم و متوجه این موضوع شده ایم که بعضی از این فضاها چند عملکردی هستند. به نظر شما با توجه به روند معاصر شدن معماری ایران چگونه می‌توان مجدد این کار را انجام داد ؟

حائری: شما اگر به جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مسلط باشید در عمل اینگونه اتفاق می‌افتد. من نوعی از اتاق پذیرایی را هم برای مهمان‌هایم، برای غذا خوردن و کتاب خواندن و سایر فعالیت‌ها استفاده می‌کنم. آشپزخانه‌اُپن ضرورتی است که معماری ایرانی به آن رسیده‌است و وارداتی نیست. آشپزخانه‌اُپن از درون روند معاصر شدن معماری مرتبط با نیازهای اجتماع بیرون آمده‌است. نیاز ما بوده که این تغییر به وجود آید. فضاهای گذشته تک عملکردی نبوده و این دیدگاه برای امروز که مساحت خانه‌ها کوچک و کوچک‌تر می‌شود، بسیار مهم می‌باشد.

ساخت و ساز

حال می‌خواهم بگویم چه تفاوتی بین معماری و ساختمان ساز است. در شکل‌گیری معماری ما برای ساخت و ساز دو نوع قرارداد اجتماعی داشته‌ایم: یکی نیروهای عرفی و دیگری قوانین رسمی. نیروهای عرفی‌ای که وجود داشته‌اند شامل رعایت معیارهای سرزمین، بستر، آب و هوا، محیط طبیعی، همسایگی، مصالح سازگار

با بوم، دانش بومی و از این قبیل بوده‌اند. نیروهای رسمی شامل طرح جامع، دانش رسمی، ضوابط و مقررات و... می‌شود. نیروهای عرفی بیشتر ملاک کار بوده‌اند و در حال حاضر جای خود را به نیروهای رسمی داده‌اند. در مبارزه‌ای که در سی‌چهل سال گذشته صورت گرفته، نیروهای عرفی در ساخت و ساز امروز ایران تقریباً از بین رفته‌اند. به مرور معیارهای سرزمینی، حریم و همسایگی‌ها نیز از بین رفته‌اند. دانش رسمی نیز که به صورت نه‌چندان کامل در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود جای دانش بومی را گرفته‌است. وضعیت ساخت و ساز کشور ما در حال حاضر به گونه‌ای است که سازوکار بازار ساخت و ساز مانده‌است و چند کمیسیون ماده ۵، ۹۹، ۱۰۰ و... در تحقیقی که در مازندران صورت گرفت، معلوم شده که بیش از ۵۰ درصد درآمد شهرداری از خلاف و جریمه ناشی می‌شود. پس اگر قرار باشد با خلاف خانه‌سازی کنیم پس قانون چه می‌شود. چه چیزی ساخت و ساز را هدایت می‌کند؟ رشد فیزیکی شهرها را اکنون طرح جامع برعهده دارد. این نیروها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، هر گروهی که بتواند از این درآمد حاصله از زمین و ساختمان که درآمد هنگفتی نیز هست یک قسمتی را بردارد، می‌تواند اموراتش را بگذراند.

سه قلمرو قانونی – مدیریتی ساخت و ساز

ما از لحاظ مدیریت قانونی در کل کشور سه قلمرو ساخت‌وساز داریم: قلمرو شهر شامل محدوده و حریم، قلمرو روستا و قلمرو بین شهر و روستا. کل اراضی شهرهای کشور و حریم‌های آن‌ها کمتر از ۵ درصد از اراضی کل کشور می‌باشند و با توجه به آمار ضد و نقیض تعداد روستاها، مجموع مفید مساحت شهرها، حریم و روستاها به ۱۰ درصد نمی‌رسد. باقیمانده‌ی این اراضی کل دست چه کسی است؟ دست سازمان همیاری‌ها و بخشداری‌ها است و آن‌ها مجوزهای ساخت و ساز را صادر می‌کنند. یکی از خواسته‌های ما این است که نیروهای سیاسی-اداری در بخش گسترش و ساخت و ساز شهر و روستا دخالت نکنند. قانون‌گذار به نحوه‌ی درستی کمیسیون ماده ۵ را به وجود آورده ولی این کمیسیون کارکرد اصلی خود را از دست داده‌است. دنبال مقصر نیستیم بلکه از قصور صحبت می‌کنیم. در اینجا به صورت روشن یک اصولی وجود دارد و اگر دیده نشود یعنی شهرسازی حذف شده‌است. در سال ۱۳۵۴ گفته می‌شد شهرسازی عقب‌تر از شهرنشینی است و شهرسازی در حاشیه و کنار قرار گرفته‌است. در دهه‌ی نود شهرسازی حذف شده‌است و در واقعیت شهرسازی وجود ندارد. تنها راهی که به ذهن من می‌رسد این است که نقد و بیان انتقادی در کشور ما راه بیافتد. باید تولید اندیشه شود.

ما هنوز بلد نیستیم نقد کنیم، بحث و نقد در نهایت با دعوا و یا قضاوت‌های تند و خشن ختم می‌شود، باید اشتباهات را به شکل مستند مطرح کنیم و کسی هم دلگیر نشود؛ تاب تحمل نقدپذیری خود را هم بالا ببریم.

نسبت ساخت و ساز با نیروهای کلان عرفی و رسمی

هیچگونه ارزیابی زیست محیطی درستی مرتبط با منفعت عمومی صورت نمی گیرد. نظام رسمی نیز ارزشی برای وضعیت طبیعی کشور قائل نشده است. ما باید حواسمان به منفعت عمومی باشد که با ساخت و ساز چقدر نخاله و یا چقدر CO₂ تولید می کنیم. در حال حاضر جنگل تراشی در بسیاری از نقاط مازندران اتفاق می افتد و حتی به حریم رودخانه ها نیز توجهی نمی شود.



تصویر ۳۳. جنگل تراشی - کلاردشت - خردادماه ۱۳۹۱

تصویر ۳۲. عدم توجه به حریم رودخانه - کلاردشت - خردادماه ۱۳۹۱

چرخه حیات هر ساختمان دارای ۳ مرحله است

در کشورهای پیشرفته نمای ساختمان یک منفعت عمومی است و کسی حق ندارد قانوناً نمای زشت بسازد. پایه و زیربنای زیبایی، هماهنگی است. در تهران در ساختمان های معاصر و هم جوار دو نمای هماهنگ پیدا نمی شود. هماهنگی در مصالح، در بازشوها، در خطهای آسمان و زمین، در رنگ و از این قبیل، هر ساختمانی که ساخته می شود سه مرحله دارد:

- مرحله پیش کارگاهی که بخش عمده آینده ساختمان به این مرحله مربوط است و ۸۰ درصد تخلفات در این مرحله اتفاق می افتد.
- مرحله کارگاهی که ساختمان ساخته می شود
- مرحله پس کارگاهی و بهره برداری.

ساکنان مسکن مهر به هنگام بهره برداری با مسائل و مشکلات زیادی رو به رو شده اند و پیمانکاران به شدت در این زمینه کوتاهی کرده اند. در مرحله پس کارگاهی **بازیافت** بسیار مهم است و کمتر فرآیندی از ساخت و ساز آن را رعایت می کند. ما غیر از اینکه باید برای کارفرما کار انجام دهیم موظف هستیم که به

کارفرما آموزش نیز بدهیم. متأسفانه بعضی دوستان به جای زبان دانی برای کارفرما زبان بازی کرده‌اند و کارفرما را فریب داده‌اند تا به آن‌ها کار بدهد. مسابقه معماری یکی از بهترین راه‌های پیشرفت معماری ایران است. در همین وزارت خانه، کمیته‌ای به نام دبیرخانه دائمی مسابقات تاسیس شده‌است که دستاورد مهمی در زمینه برگزاری مسابقات می‌باشد.

معیارهای ارزیابی ساختمان چیست؟

هر ساختمان پیش از هر چیزی باید سلامت، ایمنی و امنیت داشته باشد. بعد از آن هر ساختمان باید پاسخگوی عملکرد، کارایی و چرخش فعالیت‌ها باشد. هر ساختمان باید بتواند با رضایت فرد، خانواده، گروه، جامعه و ارزش‌های جامعه جوابگو باشد. زیبایی از درون این موارد زاده می‌شود. حال به توضیح معیارها می‌پردازیم.

❖ تعریف سلامت را می‌توان عدم آسیب رسانی ساختمان به طبیعت اطراف، بهره‌برداران و جامعه دانست که تحقق آن شامل مشاهده و بررسی سلامت خاک، پی، اتصالات- مصالح، ملات، اجرا و شرایط بازیافت- سلامت ویژگی‌های ملکی و حقوقی دانست.

❖ تعریف ایمنی را می‌توان مقاومت ساختمان در برابر مخاطرات طبیعی و حوادث غیر مترقبه دانست که محتوای آن مشاهده و بررسی ایمنی در: سازه، پی، ستون، سقف- بدنه، دیوارها، بام - کف: حرکت بدون مانع و خطر دانست.

❖ تعریف امنیت مقاومت ساختمان در برابر مخاطرات اجتماعی و تامین آسایش فیزیکی است. امنیت و آسایش را می‌توان از منظر: دزدی، اشراف و محرمیت، راحتی و آسایش حرارتی-برودتی بهره‌بردار دانست.

❖ تعریف کارایی ساختمان، تناسب آن با شیوه زندگی است که محتوای آن کارکرد درست عملکردها، انعطاف پذیری فضاها و صرفه جویی انرژی است.

❖ تعریف تحقق عملکردی را می‌توان کارکرد موثر فضاها دانست که محتوای آن پاسخ به نیازهای از پیش تایید شده، پاسخگویی به تنوع و تعدد عملکردهای روزمره، پیش‌بینی نشده و دراز مدت است.

❖ چرخش فعالیت، برقراری ارتباطات عملکردی متناسب با فعالیت‌هاست که محتوای آن روابط صحیح عملکردی، تامین دسترسی‌ها و تسهیل روابط عملکردی است.

❖ رضایت فرد و گروه، تامین و پاسخگویی به نیازهای فرد و گروهی در ساختمان است. احساس تعلق از همینجاست که صورت می‌گیرد. هنگامی که نیازهای مادی و معنوی فرد و گروه تامین می‌شود. محتوای آن، امنیت روانی، تامین حریم خصوصی افراد و حریم فعالیت اجتماعی است. مسلماً سن و جنس و قومیت و از این قبیل نیز در این زمینه موثر است. خیلی از این مسائل با یکدیگر همپوشانی دارند. محتوای رضایت جامعه وجود تناسب و تعادل بیرون ساختمان در همسایگی، محله و شهر است.

❖ مراد از فرهنگ، تداعی، انعکاس و تحکیم ارزش هاست که محتوای آن زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و رعایت معانی قراردادی جامعه‌است؛ شامل ارزش‌های تاریخی، آیینی، قومی و ارتباطی.

❖ تعریف زیبایی، ایجاد تاثیر مثبت بر حضور فرد و جامعه از طریق نمود فیزیکی است. محتوای آن رعایت سلیقه فردی، هماهنگی و هم خوانی با پیرامون و کوشش در ایجاد خلاقیت است. این به بحث سنت نیز مربوط می‌شود چراکه نوآوری، خلاقیت و هنرمندی در آن رعایت می‌شده‌است.

پرسش: به نظر من باید جنبه‌های مالی و تکنولوژی نیز باید به این معیارها اضافه گردد.

حائری: با شما موافقم، وقتی ما یک مسئله ای را ایمن می‌کنیم یا امنیت آن را بالا می‌بریم، حتماً آن را در بستر تکنولوژی و اقتصاد انجام می‌دهیم. این دو عامل در اینجا پایه‌ای هستند.

نکته دیگر نظارت است، نظارت نظام مهندسی و نظارت مهندس ناظر بیشتر جنبه ی صوری دارد. دانش بومی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. ای کاش می‌شد از هر مهندس ناظر خواهش می‌کردیم که تجربیات خود را در این عرصه می‌نوشت و به ما می‌داد و آن را مورد استفاده قرار می‌دادیم. ساختمان به مثابه منبع مولد دانش است. اگر چرخه ساختمان را به خوبی بشناسیم می‌توانیم به نتیجه‌های مناسبی برسیم. نکته دیگر این است که تولید ساختمان می‌تواند دانش محور یا کالا محور باشد. در دانش محور می‌توان معاصر سازی کرد و به فکر بازیافت بود، ولی اگر کالا محور باشد بعد از ۵۰ سال نخاله تولید کرده‌ایم و در این زمینه نیز همه ما مسئول هستیم.

پرسش و پاسخ

پرسش: با توجه به صحبت‌های گفته شده چشم انداز آینده چیست؟ به کدام سمت می‌رویم و باید چه

کاری انجام دهیم؟

حائری: این نکته که به کدام سمت می‌رویم با چشم انداز آینده متفاوت است. بخشی از چشم انداز آینده در گرو عمل من و شما است. حداقل در مقیاس خرد، مثلاً هر جای کوچکی که کار می‌کنیم، آینده‌ی این قسمت کوچک به شیوه‌ی عمل ما مربوط می‌شود. به نظر من سرمایه به سمت بورس‌بازی در ساخت و ساز رفته و ضروریست که به سمت تولید هدایت شود. نسبت به کشاورزی و دانش بومیمان بی‌توجه هستیم و باید به سمت آن بازگردیم. در برخی از شهرستان‌ها از جمله شیراز و مشهد و در آینده در تهران، بام‌های سبز مطرح است به این صورت که هر کس بام سبز داشته باشد از عوارض شهرداری معاف خواهد شد.

معرفی کتاب

در آخر می‌خواهم کتاب مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان را به شما معرفی کنم اثر کریستین برومیرژه، انسان‌شناس فرانسوی که معماری خانه را به سرزمین، اقشار اجتماعی، محله، معنا، فنون ساخت، کار و تولید، روابط اجتماعی و خانه و آداب سکونت تقسیم کرده‌است. بخش اعظمی از مصالح خانه‌های آورده شده در این کتاب بوم‌آورد می‌باشند. گالی یا شالی که پوشش سقف را می‌سارند، چوب‌هایی که خودشان تولید می‌کنند و گل که مهمترین منبع ساخت و ساز است، چوب و گل در زمستان گرما را نگه می‌دارد و در تابستان خنکا را و قابل بازیافت هستند. این پی‌ها زلزله را به کل بنا انتقال نمی‌دهند. این خانه‌ها در معرض تخریب بودند، برومیرژه و آقای طالقانی این خانه‌ها را از ساکنینشان خریداری کردند. خانه‌ها پس از کد گذاری، توسط همکاران فرانسوی، نوسازی شدند ساکنین این خانه‌ها پس از دیدن این موزه و خانه‌هاشان که بسیار مرتب مراقبت و بازسازی شده، پول خود را پس دادند. ۱۶ هکتار جنگل مساحت این موزه‌است، بدون آسیب زدن به جنگل این خانه‌ها بازسازی شدند و در جایی مشابه وضعیت قبلشان قرار گرفتند. در این کتاب آیین نشستن در خانه و سر سفره نیز بررسی شده‌است.

سازمانمندی خانه روستایی در گیلان:

الف) ۱. نما، فضای پاکیزه، محل فعالیت‌های آبرومندانه که در معرض دید است؛

۲. پشت خانه فضایی که باید از انظار پنهان بماند؛

ب) فضای پذیرایی از مهمان؛

ج) فضای نیمه عمومی، دنیای سالخوردگان، فضای زمستانی و فضای روزمره؛

د) فضای تابستانی، دنیای جوانی، اسرار و درد دل‌ها.

بدین گونه بحث معناشناسی و انسان‌شناسی وارد بررسی‌های معمارانه می‌شود و در آن شیوه زندگی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. همهٔ مسائل با یکدیگر ارتباط داشته‌است به عنوان مثال روابط انسان، پوشش و عبادت او و... امروزه این روابط بهم خورده‌اند و هر شخصی بدون ارتباط عناصر تشکیل‌دهنده شیوه زندگی کار خود را

انجام می دهد و گسستی در شیوه زندگی پدید آمده است، این قضیه عینا در معماری بازتاب پیدا می کند. به این ترتیب ما باید بتوانیم معماری را به گونه ای طراحی کنیم که آن شیوه زندگی پیوسته را حمایت کند.

نتیجه گیری:

اول حرف های ما مربوط به "چگونه معماری ایران معاصر شد" بود. حال، آینده بدون معاصر شدن فرا می رسد. معاصر شدن بدون شناخت گذشته امکان ندارد. عوامل را هم شمردیم و چه چیزهایی باید در معماری معاصر ما مورد توجه قرار گیرد مثل سرزمین، دوره های تاریخ، درآمد نفت، تجدد از بالا و در جریان سریع شهرنشینی مخصوصا از سال ۱۳۴۰ به بعد ساختن بدون معماری شکل می گیرد. مصالح اصلی معماری ما همیشه فضا و نور بوده است. هدف ما به عنوان معمار پاسخ دادن به شیوه زندگی می باشد. سازمان فضایی باید شیوه زندگی را پاسخ دهد. در معماری ایرانی، سرزندگی را در تنوع فضاها می یابیم، هماهنگی را در هم گرایی جزء فضاها و حرمت را در حریم فضا. مهمترین ضرری که کشور ما دارد می بیند در واگرایی است، تک سوی نگاه کردن، منفعت خصوصی، کوتاه مدت دیدن، زود بازده دیدن، تصمیم مبتنی بر اراده، تجزیه کردن، در حالی که اگر شیوه تفکر ما به سمت همگرایی، تمام رشته ای، کل نگری، جامعه اندیشی، منفعت عمومی برود و دانش، به جای علم و اطلاعات بنشیند، حکمت، بلند مدت نگاه کردن، تصمیم مبتنی بر فرآیند و روش هایی که خصلت های الگویی را برای ما فراهم می کند شکل می گیرند، روند بهبود شرایط صورت می گیرد.